



سرمایه‌های بر باد رفته؛

خلبانان ارتش افغانستان با وضعیت رقت بار در پاکستان



شماری از خلبانان و انجیریان طیاره‌های نظامی نیروهای هوایی ارتش حکومت پیشین افغانستان که پس از سقوط نظام جمهوری به پاکستان پناه برده‌اند، اکنون در وضعیت رقت‌باری به سر می‌برند. این خلبانان و انجیریان می‌گویند که با فروش خانه و جایزادها خود توانسته‌اند مخارج یک ساله خود در پاکستان را فراهم کنند، اما اکنون پول و حوصله آنان رو به اتمام است. آنان توضیح می‌دهند که بر اساس توصیه‌های مشاوران نیروهای هوایی ارتش ایالات متحده آمریکا به پاکستان آمده‌اند، اما دولت آمریکا و مشاوران نظامی ایالات متحده اکنون از آنان روی گردان شده‌اند.

نقدی بر اعلامیه نشست ویانا



واکنش‌ها به قطع نامه شورای امنیت؛

تقبیح طالبان کافی نیست، از حقوق زنان دفاع کنید



نشست شورای امنیت سازمان ملل؛

محدودیتها بر حق کار و آموزش زنان در افغانستان محکوم شد

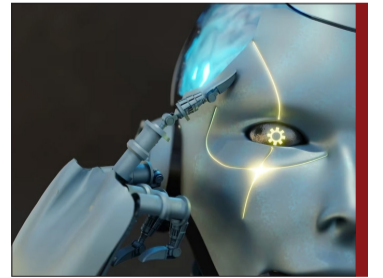


۸ صبح، کابل: شورای امنیت سازمان ملل متحد با صدور قطع‌نامه‌ای، محدودیت‌های طالبان بر حق کار و آموزش زنان و دختران افغان را محکوم کرده و از این گروه خواستند تا ممنوعیت‌های اعمال شده را لغو کنند. شورای امنیت سازمان ملل متحد پنجشنبه، ۷ ثور، این قطع‌نامه را که بیش از ۹۰ کشور جهان از آن اعلام حمایت کرده‌اند، با اکثریت آرا تصویب کرد. در قطع‌نامه شماره ۲۶۸۱، شورای امنیت سازمان ملل متحد بر تعهد قوی به حمایت از حاکمیت، استقلال، تمامیت ارضی و وحدت ملی افغانستان و همچنان حمایت مستمر از مردم این کشور تاکید کرده است. کمک‌های بشردوستانه، وضعیت حقوق بشری به‌ویژه حقوق زنان، دختران، اقلیت‌های مذهبی و قومی، امنیت، تروریسم، مواد مخدر، بحران اقتصادی، اجتماعی، گفت‌وگو و مشارکت، حکومت‌داری و حاکمیت قانون از جمله چالش‌های ذکر شده در قطع‌نامه است که افغانستان هم اکنون با آن‌ها روبرو است. از جانبی، قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل متحد همچنان بر اهمیت مشارکت کامل، برابر و معنادار زنان در تلاش‌ها برای ارتقای صلح و امنیت و افزایش نقش آنان در تصمیم‌گیری‌ها و حمایت از حقوق بشر از جمله حقوق زنان، کودکان، اقلیت‌ها و افراد آسیب‌پذیر تاکید کرده است. اعضای شورای امنیت ملل متحد طی این قطع‌نامه نگرانی عمیق خود را از کاهش فزاینده احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی زنان و دختران در افغانستان توسط طالبان، به‌ویژه عدم دسترسی برابر زنان و دختران به آموزش،

رویدادهای ترافیکی در یک هفته گذشته ۵۳ کشته و ۷۰۰ زخمی برجای گذاشته است



اکسر حیات یا جام شوکران؛ نگاهی به تحولات اخیر هوش مصنوعی

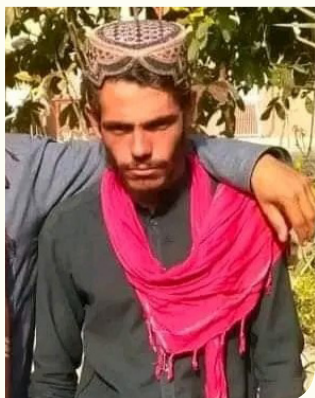


یک زن کهن سال در فاریاب کشته شد

۸ صبح، فاریاب: منابع محلی در ولایت فاریاب می‌گویند که یک زن کهن‌سال در این ولایت به قتل رسیده است. منابع محلی می‌گویند که زنی به نام نوربی بی روز پنجشنبه، ۷ ثور، در قریه آق‌مس ولسوالی قیصار فاریاب کشته شده است. منابع ادعا می‌کنند که نوربی بی ۶۵ ساله توسط برادرزاده‌اش به نام نورالحق با ضرب چاقو کشته شده و قاتل از ساحه فرار کرده است. هرچند علت و انگیزه این رویداد روشن نیست، اما شماری از نزدیکان مقتول از مقام‌های امنیتی گروه طالبان می‌خواهند که قاتل نوربی بی را بازداشت کنند و به نهادهای عدلی و قضایی بسپارند. این در حالی است که دو روز قبل یک زن ۵۶ ساله در فاریاب به دلیل خصومت‌های خانوادگی خودکشی کرد.

یک جوان در ننگرهار به دلیل مشکلات اقتصادی خودکشی کرد

۸ صبح، ننگرهار: منابع محلی در ولایت ننگرهار می‌گویند که یک جوان در منطقه شدل ولسوالی سپین‌غر این ولایت، خودکشی کرده است. منابع روز جمعه، ۸ ثور، می‌گویند که این جوان عارف نام داشت و ساعت ۱۰:۰۰ پنج‌شنبه‌شب، ۷ ثور، در ننگرهار خودکشی کرده است. عارف با سلاح در اتاقش به زنده‌گی خود پایان داده است. از سوی دیگر، عبدالبصیر زابلی، سخنگوی فرماندهی امنیه طالبان در ننگرهار، می‌گوید که عارف به بیماری روانی مبتلا بوده و به همین دلیل دست به خودکشی زده است. این در حالی است که با روی کار آمدن طالبان در کشور، رویدادهای قتل به دلیل مشکلات اقتصادی افزایش پیدا کرده است. روز گذشته نیز دو زن در ولایت‌های کاپیسا و فاریاب خودکشی کردند.





کارزار رسمیت بخشی به اسارت

در جریان مذاکرات دوحه طالبان و حامیان شان تاکتیک‌هایی را استفاده کردند که آن را از یک گروه شورشی بی‌برنامه، از نظر نظامی بسیار ضعیف و از لحاظ وجهه سیاسی و دیپلماتیک بسیار منزوی، به برنده مذاکرات بدل کرد. تاکتیک اول این بود که به خارجیان روی خوش نشان داده، به تماس‌های آنان پاسخ می‌دادند و به نگرانی‌های شان توجه می‌کردند. مشاوران طالبان می‌دانستند که از این طریق چهره تروریستی آن گروه برای رهبران کشورهای منطقه و قدرت‌های دخیل در امور افغانستان تلطیف خواهد شد. در این راستا، طالبان به خارجی‌ها تهدید سپردند که آجندای بین‌المللی ندارند و هدف‌شان ایجاد حکومت اسلامی در داخل افغانستان است، نه صدور تروریسم به جهان. همزمان با مذاکرات دوحه، کمپین وسیعی را برای تماس با کشورهای منطقه راه انداختند و از هند، چین، روسیه و ایران تا کشورهای آسیای میانه، عربی و ترکیه تماس گرفتند و با هر کدام گفت‌وگو کرده و تعهداتی سپردند. این تاکتیک محاصره خارجی افغانستان بود و به یقین از سوی حلقه‌های استخباراتی منطقه به خصوص پاکستانی‌ها طرح و تطبیق شد. دولت جمهوری اسلامی با گذشت زمان میدان دیپلماسی را در منطقه به طالبان باخت. تاکتیک دومی، تفرقه‌اندازی در میان حکومت افغانستان و متحدان داخلی اش بود. طالبان با حمایت مشاوران خارجی، تماس وسیع و فرده‌فرد با مقاماتی در داخل حکومت، قدرت‌مندان بیرون حکومت و منتقدان محلی برقرار کرده و به هر کدام وعده‌هایی دادند، طوری که هر کس تصور می‌کرد جایگاه ویژه‌ای در اداره پس از جمهوری اسلامی خواهد داشت. در این کمپین طالبان می‌کوشیدند چهره پذیرا، آماده تعامل و حاضر به صلح از خود ترسیم کنند و حکومت را مانع اصلی و دشمن مشترک بترانند. افراد دارای سوابق جهادی شکار اصلی طالبان در این تاکتیک بودند. به آنان گفته می‌شد که همه در پی ساختن حکومت اسلامی واقعی هستیم و می‌توانیم بر سر اختلافات جزئی به توافق برسیم، ولی دموکرات‌ها، سکولارها و آنان که از غرب آمده‌اند، باید کنار زده شوند. طیفی را به تازگی خام قومی بستند و از آن طریق مقام‌های باصلاحیتی را در دستگاه‌های نظامی، امنیتی و سیاسی در مبارزه با طالبان دچار تزلزل کردند. تاکتیک سوم جهنم‌سازی وضعیت موجود بود. طالبان به دستور مشاوران خارجی، به صورت گزینشی طیف‌هایی را که احتمال داشت به حکومت غیرانتخابی تن ندهند و در برابر طالبانی‌سازی افغانستان کنار دولت بایستند، با بی‌رحمانه‌ترین شیوه‌ها هدف قرار دادند. مکاتب را به خون کشیدند، محصلان دانشگاه، معلمان، خبرنگاران، فعالان مدنی و سیاستمداران ترقی‌خواه را با بم، انتحار، تیر، کارد و حتا سنگ برنده کشتند. در ماه‌های پایانی کابل به نمایشگاه قساوت بدل شده بود. با این تاکتیک طالبان و حامیان آن‌ها می‌خواستند طیف‌های ضد طالبان جامعه را مجبور به تسلیمی و پذیرش بی‌قیدوشرط عبور از وضعیت موجود کنند. متأسفانه در این کار موفق شدند و دیدیم که دولت چگونه در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی منزوی شد. نیروهای سیاسی مشغول رقابت در تماس و گفت‌وگوهای «ویژه و مستقل» با طالبان شدند. طبقه متوسط و حامیان دموکراسی با زخم‌ها و ترس‌های بسیارشان در میدان ماندند و توده مردم غرق در وضعیت جهنمی، هر گونه تغییری را حتا اگر در حد نفس‌گیری موقت می‌بود، غنیمت شمرده دست از اعتراض و مقاومت برداشتند.

آیا مخالفان طالبان از آن شکست تاریخی درس گرفته‌اند و می‌دانند که اکنون نیز طالبان و حامیان شان با همان تاکتیک‌ها تلاش دارند «امارت» ضد آزادی، ضد کار، ضد تعلیم و ضد ترقی را تحمیل کنند؟ حالا که تحركات دیپلماتیک برای رسمیت‌بخشی به امارت طالبان یا ایجاد «حکومت همه‌شمول» آغاز شده است، طالبان با همان کارت‌ها بازی می‌کنند و مخالفان دچار همان ضعف‌ها و توهمات‌اند. گروه طالبان تاکتیک‌های دلربایی از خارجی‌ها، تفرقه‌اندازی میان مخالفان و جهنم‌سازی زنده‌گی برای طبقه متوسط، دموکراسی‌خواهان و به‌خصوص زنان را ادامه می‌دهد. حقوق زنان ابزار مهم امتیازگیری به دست طالبان شده است. با زندانی کردن زنان در خانه‌ها و اعمال خشونت‌بارترین محدودیت‌ها علیه آنان، مسایل حیاتی چون انتخابات، حکومت‌مبته بر قانون، آزادی بیان، آزادی فعالیت‌های سیاسی و امثال آن را به حاشیه رانده‌اند. عرصه را در داخل بر مردم چنان تنگ کرده‌اند که اگر اکنون دروازه‌های مکاتب دختران را باز کنند، بسیاری احساس پیش‌رفت خواهند کرد، دستگاه‌های تبلیغاتی حامیان رسمیت طالبان به غوغا خواهند افتاد و امید به تغییر طالبان جمعیت بزرگی از سیاستمداران مترزل و معامله‌گر را به کابل خواهد کشاند. آنانی که می‌دانند بازی خونینی با سرنوشه ملت و کشور مادر جریان است، باید این روزها ناقوس هشدارهای جمعی و فردی را در هر سطح ممکن به صدا درآرند. اسارت کشور به چنگ شرکت سهامی تروریستان، قاچاق‌بران، جاسوسان و غارت‌گران زیر نام امارت اسلامی، نباید رسمیت یابد.

سفیر امریکا در سازمان ملل:

طالبان برخلاف تعهداتشان به جهان، مانع کار و آموزش دختران و زنان شده‌اند



۸ صبح، کابل: لیندا تامس گرینفیلد، سفیر امریکا در سازمان ملل متحد، گفته است که طالبان برخلاف تعهداتشان به جامعه جهانی، مانع کار و آموزش زنان و دختران افغانستان شده‌اند. سفیر ایالات متحده امریکا در سازمان ملل متحد ناوقت روز پنج‌شنبه، ۷ ثور، پس از صدور قطع‌نامه نشست شورای امنیت این سازمان با نشر بیانیه‌ای از این قطع‌نامه استقبال کرده است. او گفته است: «قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل متحد که امروز به اتفاق آرا تصویب شد، پیامی روشن به طالبان می‌فرستد: ما سرکوب زنان و

دختران افغان را محکوم می‌کنیم و خواهان لغو سریع فرامین غیرقابل دفاع شما هستیم.» به گفته وی، در حالی که زنان و دختران افغان از حقوق بشری و آزادی‌های اساسی شان محروم هستند، جامعه جهانی خاموش نخواهد ماند. به باور گرینفیلد، ممنوعیت علیه دختران و زنان «ظالمانه» است و این احکام افغانستان را از دست‌یابی به ثبات، رفاه اقتصادی و رشد آینده باز می‌دارد.

نماینده امریکا تصریح کرده است که طالبان، زنان و دختران را در معرض خطر افزایش خشونت مبتنی بر جنسیت و استثمار جنسی قرار می‌دهند و مانع رسیدن کمک‌های بشردوستانه نجات‌بخش به افغان‌هایی می‌شوند که نیاز مبرم دارند. گفتنی است که شورای امنیت سازمان ملل متحد با صدور قطع‌نامه‌ای، محدودیت‌های وضع شده از سوی طالبان بر حق کار و آموزش زنان و دختران افغان را محکوم کرده و از این گروه خواستند تا ممنوعیت‌های اعمال شده را لغو کنند. با تسلط طالبان بر افغانستان، این گروه محدودیت‌های زیادی را بر زنده‌گی اجتماعی، فعالیت کاری و آموزشی زنان و دختران در این کشور وضع کرده است.

طالبان در بدخشان یک خبرنگار محلی را بازداشت کردند



۸ صبح، بدخشان: منابع محلی در ولایت بدخشان می‌گویند که طالبان عبدالرازق عظیمی، خبرنگار محلی را بازداشت کرده‌اند. منابع روز جمعه، ۸ ثور، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که نیروهای استخبارات طالبان عظیمی را دو روز پیش از مربوطات شهر فیض‌آباد بازداشت کرده و به جایی نامعلوم انتقال داده‌اند. به گفته منابع، عبدالرازق عظیمی در گذشته در رادیو «کشم» به‌عنوان خبرنگار کار می‌کرد، اما پس از حاکمیت طالبان، بیکار شده بود. تا کنون انگیزه بازداشت این خبرنگار محلی معلوم نیست. طالبان هم در این مورد چیزی نگفته‌اند.

گفتنی است که طالبان از زمان تسلطشان بر کشور تا کنون، ده‌ها خبرنگار را بازداشت، زندانی و شکنجه کرده‌اند.

سازمان ملل طالبان را به نشست دوحه دعوت نکرده است



۸ صبح، کابل: سازمان ملل متحد اعلام کرده است که آنتونیو گوترش، دبیر کل این سازمان، طالبان را در نشست دوحه دعوت نکرده است. بر بنیاد گزارش روتترز، استفان دوچاریک، سخنگوی دبیرکل سازمان ملل، روز جمعه، ۸ ثور، گفته است که «دعوت‌نامه‌ای» به مقام‌های طالبان برای اشتراک در نشست دبیر کل این سازمان با نماینده‌گان ویژه کشورها برای افغانستان، فرستاده نشده است. سخنگوی دبیرکل سازمان ملل تاکید کرده است که مساله به رسمیت شناختن طالبان نیز روی میز قرار ندارد. دوچاریک افزوده است که تمرکز نشست دوحه، یافتن راه پایدار تعامل بین‌المللی پیرامون اهداف مشترک در افغانستان خواهد بود. او همچنان از قطع‌نامه روز گذشته شورای امنیت

باربارا: محدودیت‌ها از سوی طالبان منجر به حذف سیستماتیک زنان افغان از جامعه شده است

۸ صبح، کابل: باربارا وودوارد، سفیر بریتانیا در سازمان ملل، می‌گوید که وضع محدودیت‌های زن‌ستیزانه طالبان، منجر به حذف «سیستماتیک» زنان و دختران افغان از جامعه شده است.

وزارت خارجه بریتانیا، بامداد شنبه، ۹ ثور، با نشر اعلامیه‌ای گفته است که وودوارد، این اظهارات را در سخنرانی‌اش در نشست شورای امنیت سازمان ملل بیان کرده است. سفیر بریتانیا در سازمان ملل همچنان گفته که منع کار زنان افغان در دفترهای این سازمان، «آخرین نمونه‌ای از بی‌توجهی کامل طالبان» به حقوق اساسی زنان است.

او تصریح کرده است: «این ممنوعیت نقض مستقیم اصول اساسی منشور سازمان ملل است. در شرایطی که ۲۸ میلیون تن در افغانستان به کمک نیاز دارند، به شدت مانع ارسال کمک‌های نجات‌دهنده به زنان و دختران خواهد شد.»

وی خواستار لغو «فوری» سیاست‌های طالبان که «حقوق و آزادی‌های اساسی زنان را محدود» می‌کند، شده است.

وودوارد، همچنان اضافه کرده است که بریتانیا، از ماه اپریل ۲۰۲۱ تا کنون ۶۶۲ میلیون دالر برای رسیده‌گی به «بحران بشری» در افغانستان کمک کرده است.

گفتنی است که شورای امنیت سازمان ملل متحد با صدور قطع‌نامه‌ای، محدودیت‌های طالبان بر حق کار و آموزش زنان و دختران افغان را محکوم کرده و از این گروه خواست تا ممنوعیت‌های اعمال شده را لغو کنند.

این شورا ناوقت روز پنج‌شنبه، ۷ ثور، این قطع‌نامه را که بیش از ۹۰ کشور جهان از آن اعلام حمایت کرده‌اند، با اکثریت آرا تصویب کرد.



سازمان جهانی غذا به حدود دو هزار خانواده در بادغیس مواد خوراکی توزیع کرد

۸ صبح، بادغیس: ریاست انکشاف دهات طالبان در ولایت بادغیس از توزیع مواد خوراکی به نزدیک به دو هزار خانواده نیازمند توسط دفتر سازمان جهانی غذا خبر می‌دهد. این ریاست روز جمعه، ۸ ثور، گفته است که به یک هزار و ۷۷۹ خانواده نیازمند در ولسوالی سنگ آتش ولایت بادغیس، مواد خوراکی توزیع شده است.

هر بسته مواد توزیع شده شامل ۵۰ کیلوگرام آرد، پنج لیتر روغن، شش کیلو دال نخود و ۳۳ پاکت شیر بوده است.

گفتنی است که پس از تسلط طالبان بر افغانستان و گسترش فقر و بیکاری، کمک موسسات و نهادهای امدادرسان افزایش پیدا کرده است.



تقبیح طالبان کافی نیست، از حقوق زنان دفاع کنید



طالبان پس از تسلط بر افغانستان به تدریج زنان را از همه عرصه‌های زنده‌گی جمعی حذف کرده‌اند. منع آموزش دختران بالاتر از صنف ششم، مسدود شدن دروازه‌های دانشگاه‌ها و سایر مراکز تحصیلی دولتی و وضع محدودیت سفر و ممنوعیت کار در نهادهای دولتی و خصوصی از سیاست‌های تبعیض‌آمیز طالبان علیه زنان شمرده می‌شود. این گروه حدود یک ماه قبل دستور منع کار زنان در نهادهای سازمان ملل متحد را نیز صادر کرده که با واکنش‌های گسترده داخلی و خارجی روبه‌رو شده است.

شورای امنیت سازمان ملل متحد برای نخستین بار به محدودیت‌های وضع شده از سوی طالبان بر کار زنان در نماینده‌گی‌های این سازمان، واکنش نشان داده است. اعضای این شورا با صدور قطع‌نامه‌ای، محدودیت‌های طالبان بر کار زنان در دفتر سازمان ملل متحد در افغانستان را نکوهش کرده‌اند. اعضای این شورا خواستار مشارکت کامل، برابر، معنادار و ایمن زنان و دختران در همه عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی افغانستان شده‌اند. این قطع‌نامه که حمایت بیش از ۹۰ کشور جهان را با خود دارد، از کشورها و سازمان‌هایی که بر طالبان نفوذ دارند، خواسته است تا این گروه را برای «برگشت فوری زنان» به کار تشویق کنند. به گفته اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد، سیاست‌های طالبان زنان را از فضای عمومی در افغانستان حذف کرده است و این گروه باید هرچه زودتر تصمیم‌های خود را بازنگری کند. با این وصف، شماری از شهروندان و چهره‌های سیاسی کشور با استقبال از این قطع‌نامه، از شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌خواهند که تنها به صدور یک قطع‌نامه اکتفا نکند، بلکه از حقوق همه زنان افغانستان در برابر طالبان دفاع نماید.

طالبان پس از تسلط بر افغانستان به تدریج زنان را از همه عرصه‌های زنده‌گی جمعی حذف کرده‌اند. منع آموزش دختران بالاتر از صنف ششم، مسدود شدن



امین کاوه

دروازه‌های دانشگاه‌ها و سایر مراکز تحصیلی دولتی و خصوصی، وضع حجاب اجباری و وضع محدودیت سفر و ممنوعیت کار در نهادهای دولتی و خصوصی از سیاست‌های تبعیض‌آمیز طالبان علیه زنان شمرده می‌شود. این گروه حدود یک ماه قبل دستور منع کار زنان در نهادهای سازمان ملل متحد را نیز صادر کرده که با واکنش‌های گسترده داخلی و خارجی روبه‌رو شده است.

شورای امنیت سازمان ملل متحد روز پنج‌شنبه، ۷ ثور، با صدور قطع‌نامه‌ای ممنوعیت کار زنان در نهادهای سازمان ملل متحد را محکوم کرده است. اعضای این شورا با اتفاق آرا خواستار مشارکت کامل، برابر، معنادار و مصون زنان و دختران در همه عرصه‌های زنده‌گی در افغانستان شده‌اند. با این حال شماری از شهروندان کشور و مقام‌های حکومت پیشین از تصویب این قطع‌نامه استقبال می‌کنند و آن را گامی برای فشارهای بیشتر بر طالبان می‌خوانند.

ذکیر عادل، معین امور اجتماعی وزارت عدلیه حکومت پیشین، صدور قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل متحد را از سوی کشورهای عضو الزام‌آور می‌داند و هشدار می‌دهد در صورتی که طالبان خواست این شورا را جدی نگیرند، با عواقب جدی آن مواجه خواهند شد. خانم عادل در صفحه فیس‌بوکش نوشته است که طالبان به‌عنوان «حاکمان فعلی» مکلف‌اند برای پیش‌گیری از وضع تحریم‌های بیشتر، به خواست شورای امنیت سازمان ملل متحد تمکین کنند. خانم عادل افزوده است: «عواقب ناگوار و جبران‌ناپذیر هر گونه اقدام و سیاست زن‌ستیزانه طالبان نه‌تنها که متوجه حاکمان طالب، بلکه متوجه مردم افغانستان نیز خواهد بود که علاوه بر وخیم‌تر شدن وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم، افغانستان را به طرف انزوای بین‌المللی سوق خواهد داد.»

همچنان محمد ناطقی، عضو هیات مذاکره‌کننده حکومت پیشین با طالبان، صدور قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل متحد را «بی‌نظیر و تاریخی» خوانده است. او نگاشته است: «نگران نباشیم، اوضاع به سمت درست پیش می‌رود. طالب‌ها با زنان یعنی با جهان درگیر شده است.» آقای ناطقی نیز در صفحه فیس‌بوکش نوشته است: «این بی‌سابقه و تاریخی و بی‌نظیر است که شورای امنیت با اتفاق آرا قطع‌نامه قوی و به حمایت از حقوق زنان و علیه طالب‌ها صادر نماید و بیش از ۹۰ کشور از فیصله شورای امنیت حمایت نماید. من از این رویداد در سطح جهانی خیلی خوشحالم. این پیروزی است و این پیروزی برای زنان و دختران افغانستان مبارک.» در همین حال مرضیه احمدی، فعال حقوق زن، صدور این قطع‌نامه را گامی مثبت در راستای حمایت

از مبارزه‌های زنان و دختران در افغانستان عنوان می‌کند. او در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «تصویب این قطع‌نامه، بسیار دیر، ولی گامی مثبت است. شورای امنیت اگر در اوایل دست به چنین اقدامات می‌زد، ممکن امروز زنان به این سطح از اجتماع حذف نمی‌شدند. حقوق بشری‌شان به شکل کامل نقض نمی‌گردید و ما شاهد آپارتاید جنسیتی نمی‌بودیم. با وجود مشکلات و نابه‌سامانی‌های زیاد، صدور چنین قطع‌نامه‌ای با توافق آرا نشان‌دهنده صدای برحق مطالبات زنان است که قطعاً بدون دادخواهی ممکن نبود اتفاق بیفتد.» به گفته او، تصمیم قاطع و برخورد جدی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی طالبان را وادار به اعمال سیاست نرمش در قبال زنان خواهد کرد، اما باعث تغییر کلان در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری این گروه نخواهد شد. از سوی دیگر، شکیب فیضی، یکی از شهروندان کشور، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «محکومیت شورای امنیت از کارکرد طالب‌ها یک کار مثبت است، اما تنها محکومیت کافی نیست. وضع محدودیت بر زنان با صدور یک قطع‌نامه رفع نمی‌شود. مشکل افغانستان باید از ریشه حل شود. دروازه‌های مکتب‌ها اگر باز هم شود، شاگردی که از برقع طالب و نصاب طالبانی پیروی نکند، از حق آموزش محروم می‌شود.» او می‌افزاید: «اصل مساله حقوق شهروندی و بشری است که طالب به رسمیت نمی‌شناسد. جهان باید برای عبور از طالبان فکر کند. ما خواهان اقداماتی از این دست هستیم. زنان افغانستان برگشت به کار با شرایط طالبان را نمی‌پذیرند.»

حمایت از زنان یا برخورد دوگانه با ارزش‌ها؟

در کنار استقبال شهروندان از قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل مبنی بر محکومیت سیاست‌های تبعیض‌آمیز طالبان علیه زنان، برخی این سازمان را به برخورد دوگانه در قبال حقوق زنان و ارزش‌های بشری متهم می‌کنند و می‌گویند که تنها «منع کار زنان در سازمان ملل» نباید مساله باشد.

بهار سهیلی، مدافع حقوق زن، در صفحه فیس‌بوکش نوشته است: «شورای امنیت سازمان ملل پس از تلاش و زحمت فراوان توانست تنها و فقط ممنوعیت کار زنان در این سازمان را محکوم سازد و از طالبان خواسته در این مورد تجدید نظر کنند.» بهار سهیلی افزوده است: «از نظر شورای امنیت سازمان ملل، ممنوعیت کار زنان در عرصه‌های دیگر جواز دارد.» محبوه (نام مستعار) یکی از زنان معترض است که به گفته خودش در زیر حاکمیت طالبان در «زنداد سرپاز» به سر می‌برد. او سازمان ملل متحد را به برخورد دوگانه در برابر اصول و ارزش‌هایش متهم

می‌کند. می‌گوید: «سازمان ملل به‌خصوص شورای امنیت سازمان ملل، باید از اصول و ارزش‌های این سازمان حمایت کند. در هیچ جای جهان کشوری که عضو سازمان ملل بوده، به این حد در قبال نقض گسترده حقوق بشری بی‌تفاوت نبوده است. نزدیک به دو سال است که زنان از همه حوزه‌ها حذف شده‌اند، گلو پاره کرده‌اند، کشته شده‌اند، هیچ‌کدام باعث نشد که شورای امنیت اقدام کند؛ اما وقتی کار زنان در سازمان ملل مطرح شد، محکوم کردند. این محکوم گامی خوب است، اما این برخورد نیز تبعیض‌آمیز است. شورای امنیت باید قاطعانه از مردم افغانستان حمایت کند؛ چون طالب‌ها با هیچ ارزش این سازمان سازگاری ندارند.»

چه مواردی در قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل بازتاب یافته است؟

شورای امنیت سازمان ملل متحد روز پنج‌شنبه، ۷ ثور، با صدور قطع‌نامه شماره ۲۶۸۱ تنها ممنوعیت کار زنان در نهادهای سازمان ملل متحد را محکوم کرده است. این شورا خواستار «مشارکت کامل، برابر، معنادار و مصون زنان و دختران» در افغانستان شده است. در این قطع‌نامه از طالبان خواسته شده که به‌صورت فوری زمینه برگشت زنان برای کار در سازمان ملل را فراهم بسازند.

شورای امنیت سازمان ملل متحد ممنوعیت کار زنان در سازمان ملل متحد را در تضاد با قوانین بین‌المللی از جمله منشور این سازمان دانسته است. به گفته اعضای این سازمان، اعمال ممنوعیت در کنار سایر موارد نقض حقوق اولیه زنان «تاثیر منفی و شدید بر عملیات کمک‌رسانی سازمان ملل در سراسر کشور از جمله ارایه کمک‌های نجات‌دهنده و اساسی به آسیب‌پذیرترین افراد خواهد داشت.»

اعضای این شورا تاکید کرده‌اند که دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) مأموریت بشردوستانه خود را تا رفع این ممنوعیت اجرا نمی‌تواند. اما تصریح شده است که این شورا از یوناما «حمایت کامل» می‌کند و طالبان باید امنیت و آزادی رفت‌وآمد کارمندان این نهاد در افغانستان را تضمین کنند. همچنین در بخشی از این قطع‌نامه روی رسیده‌گی به «وضعیت وخیم اقتصادی و انسانی» در افغانستان تاکید شده است.

اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد گفته‌اند که ممنوعیت کار زنان در سازمان ملل در تاریخ این سازمان بی‌سابقه بوده است. در این قطع‌نامه همچنان آمده است که بیش از ۹۰ کشور به شمول کشورهای همسایه و مسلمان از این قطع‌نامه در قبال محکومیت طالبان حمایت کرده‌اند. پیش‌نویس این قطع‌نامه توسط امارات متحده عربی و جاپان تهیه شده که در آن بر نقش ضروری زنان در جامعه افغانستان تاکید شده و گفته شده که منع کار زنان افغانستان برای سازمان ملل متحد حقوق بشر و اصول بشردوستانه را تضعیف می‌کند.

در همین حال، لانا نصیبه، نماینده امارات متحده عربی در سازمان ملل که در تهیه پیش‌نویس این قطع‌نامه نقش داشته، گفته است: «بیش از ۹۰ کشور از همسایه‌گی نزدیک افغانستان، از جهان اسلام و از همه گوشه‌وکنار زمین، قطع‌نامه را حمایت کردند.» خانم نصیبه افزوده است: «این حمایت پیام اساسی امروز ما را حتما مهم‌تر می‌کند که جهان ساکت نخواهد نشست؛ زیرا زنان در افغانستان از جامعه حذف می‌شوند.» او همچنین تاکید کرده که وضع محدودیت‌هایی از این دست «آشتی سیاسی» را در افغانستان ناممکن می‌سازد.

شورای امنیت سازمان ملل در حالی این قطع‌نامه را به اتفاق آرا به تصویب رسانده که قرار است نشست به ابتکار سازمان ملل متحد به تاریخ اول و دوم ماه می سال روان میلادی در مورد افغانستان در دوحه، پایتخت قطر، برگزار شود. گفته می‌شود در این نشست آنتونیو گوتش، دبیرکل سازمان ملل متحد و نماینده‌گان ویژه کشورهای مختلف در مورد افغانستان پشت درهای بسته گردهم می‌آیند و روی رویکرد واحد برای مقابله با طالبان گفت‌وگو می‌کنند. طالبان اما ممنوعیت کار زنان را یک مساله داخلی دانسته و از جهان خواسته‌اند تا در این زمینه مداخله نکنند.

منافع سیاسی و اقتصادی چین در افغانستان

افغانستان در جنوری ۱۹۵۵ رابطه دیپلماتیک رسمی با جمهوری خلق چین برقرار کرد و یکی از اولین کشورهایی بود که دولت جدید به رهبری کمونیست‌ها در بیجینگ را به رسمیت شناخت. این رابطه از اواخر دهه ۱۹۷۰ تا پایان دهه ۱۹۸۰ کم‌رنگ شد؛ زیرا افغانستان متحد شوروی گردید و چین پس از دهه ۱۹۶۰ روابط نزدیک با شوروی نداشت. در طول دهه ۱۹۸۰، افغانستان به میدان جنگ تبدیل شد و چین و ایالات متحده برای خنثا کردن تهاجم شوروی به این کشور، همکاری نزدیک داشتند. آن‌ها با کمک پاکستان تسلیحات به سبک شوروی را در اختیار مخالفان دولت وقت افغانستان قرار می‌دادند. بنابراین، روابط چین و افغانستان در طول جنگ سرد تحت سلطه رقابت قدرت‌های بزرگ بود.



علی سجاد مولایی

پس از به قدرت رسیدن طالبان به دنبال ۲۰ سال شورشگری، بسیاری از کشورهای جهان دیپلمات‌های‌شان را از افغانستان بیرون کرده و دروازه سفارت‌های‌شان را بستند؛ اما در این میان کشورهایی که از خروج ایالات متحده از افغانستان و منطقه خشنود به نظر می‌رسیدند، ماندند و تلاش کرده‌اند تا با گروه طالبان تعامل و منافع استراتژیک خود را دنبال کنند. در میان درشت‌ترین اسم، چین است که در کنار طالبان مانده و توانایی نقش آفرینی در آینده افغانستان را دارد. خروج ایالات متحده از افغانستان و شکل‌گیری خلای امنیتی در کشور، زمینه را برای حضور چین مهیا کرده است. چین به‌عنوان قدرتی که به دنبال تغییر وضعیت موجود در صحنه بین‌الملل است و جدی‌ترین رقیب هژمون جهانی ایالات متحده محسوب می‌شود، برای این‌که حوزه نفوذش را توسعه دهد و پای آمریکا را از منطقه بیرون کند، دوست دارد وارد بازی افغانستان شود.

پیشینه روابط چین با افغانستان

افغانستان در جنوری ۱۹۵۵ رابطه دیپلماتیک رسمی با جمهوری خلق چین برقرار کرد و یکی از اولین کشورهایی بود که دولت جدید به رهبری کمونیست‌ها در بیجینگ را به رسمیت شناخت. این رابطه از اواخر دهه ۱۹۷۰ تا پایان دهه ۱۹۸۰ کم‌رنگ شد؛ زیرا افغانستان متحد شوروی گردید و چین پس از دهه ۱۹۶۰ روابط نزدیک با شوروی نداشت. در طول دهه ۱۹۸۰، افغانستان به میدان جنگ تبدیل شد و چین و ایالات متحده برای خنثا کردن تهاجم شوروی به این کشور، همکاری نزدیک داشتند. آن‌ها با کمک پاکستان تسلیحات به سبک شوروی را در اختیار مخالفان دولت وقت افغانستان قرار می‌دادند. بنابراین، روابط چین و افغانستان در طول جنگ سرد تحت سلطه رقابت قدرت‌های بزرگ بود.^۱

سیر تحول روابط چین و افغانستان در دوره پس از جنگ سرد را می‌توان به چهار مرحله تقسیم کرد. در مرحله اول (۱۹۹۱ - ۲۰۰۱) افغانستان نقش مهمی در سیاست خارجی چین نداشت. در آن زمان، علاقه بیجینگ به افغانستان از نظر حفاظت از سین‌کیانگ در برابر تهدیدات تروریستی و توسعه روابط با جمهوری‌های آسیای مرکزی پس از شوروی بود. تهدید اویغورها برای اولین‌بار در اپریل ۱۹۹۰، زمانی که گروهی از مردان اویغور قیام مسلحانه‌ای را علیه پولیس و نیروهای امنیتی چین در شهرک بارن با هدف ایجاد جمهوری ترکستان شرقی آغاز کردند، برجسته شد. در همان حال، افغانستان درگیر جنگ داخلی بین دولت رییس‌جمهور نجیب‌الله و واحدهای مختلف مجاهدین بود که چین را مجبور به عقب‌نشینی کارکنان سفارتش در سال ۱۹۹۳ کرد. در سال ۱۹۹۶، طالبان کنترل کشور را به دست گرفتند، اما چین از برقراری روابط دیپلماتیک با این کشور خودداری کرد. این کشور در آن دوره نگران امنیت مرزهایش و گسترش بنیادگرایی به داخل خاکش بود. افغانستان در میان سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱، بهشتی امن برای گروه‌های تروریستی و بنیادگرایی اسلامی در منطقه بود. اندرو اسمال در کتاب «محور چین و پاکستان؛ ژئوپلیتیک جدید آسیا» می‌نویسد: «سفیر چین سرانجام در اواخر سال ۲۰۰۰ با ملا عمر در قندهار ملاقات کرد. بیجینگ از طالبان می‌خواست که پناهدهی به شبه‌نظامیان اویغور را که گفته می‌شد در افغانستان با جنبش اسلامی ترکستان شرقی کار می‌کنند، متوقف کند. در بدل رهبران طالبان امیدوار بودند که چین دولت طالبان را به رسمیت بشناسد و با تحریم‌های بیشتر از جانب سازمان ملل متحد مخالفت کند. اما این معامله عملی نشد. ملا عمر با این‌که فعالیت جنبش اسلامی ترکستان شرقی را محدود کرد، اما آن‌ها را از افغانستان اخراج نکرد. و از آن طرف بیجینگ هم با

تحریم‌های سازمان ملل علیه طالبان مخالفت نکرد، بلکه فقط رای ممتنع داد.^۲

مرحله دوم سیاست خارجی چین در قابل افغانستان به بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر برمی‌گردد؛ زمانی که ائتلاف جهانی به رهبری ایالات متحده وارد افغانستان شد. چین در آن دوره بیشتر من حیث یک ناظر و یک شریک تجاری در افغانستان حضور داشت و از هر گونه اقدام امنیتی خودداری می‌کرد. آن دوره سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۲ را در بر می‌گیرد. چین در آن دوره از حضور آمریکا و جنگ علیه تروریسم، سواری مجانی گرفت و دوست داشت که ایالات متحده تروریستان را در خاک افغانستان سرکوب کند. از سویی، نگران حضور آمریکا در نزدیکی مرزهای خودش بود و حضور این رقیب خود در منطقه را به‌عنوان یک تهدید تلقی می‌کرد.

مرحله سوم سیاست خارجی را می‌توان مقارن به تغییر استراتژی ایالات متحده در قبال افغانستان دانست؛ زمانی که اوپاما تصمیم به خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان گرفت. در آن زمان چین مجبور شد که به فکر افغانستان پس از آمریکا باشد و برای عواقب آن آماده‌گی بگیرد. در همان دوره بود که تماس‌هایی با طالبان برقرار کرد و با این گروه وارد تعامل شد؛ به عبارتی، برای طالبان فرش سرخ پهن کرد.

مرحله چهارم سیاست خارجی چین در قبال افغانستان بعد از اگست ۲۰۲۱ است. تعامل این کشور با طالبان در این دوره را می‌توان وابسته به چند متغیر و عامل زیر دانست:

۱. تروریسم

چین از دیرزمانی نگران رشد بنیادگرایی اسلامی و تروریسم در مرزهای غربی‌اش است و از ناحیه اویغورها در ایالت سین‌کیانگ احساس خطر می‌کند. سین‌کیانگ، بزرگ‌ترین ایالت چین است که حدود یک ششم مساحت این کشور را در بر می‌گیرد. این ایالت با افغانستان، پاکستان، تاجیکستان، قرغیزستان و قزاقستان مرز مشترک دارد و موطن گروه رادیکال اسلامی «جنبش اسلامی ترکستان شرقی» است. این گروه مهم‌ترین موضوع در امنیت داخلی چین است و رشد افراطیت در این منطقه بیجینگ را نگران کرده است. با فروپاشی حکومت

مرکزی افغانستان و روی کار آمدن طالبان، این نگرانی بیشتر شده است. اکنون چینی‌ها تلاش دارند تا از راه تعامل با طالبان، بر این نگرانی امنیتی فایق آیند. رشد بنیادگرایی در سین‌کیانگ می‌تواند امنیت کشورهای آسیای مرکزی را نیز مختل کند؛ چون در این کشورها نیز بنیادگرایی و تروریسم حضور فزینگی دارد. از سویی، رشد بنیادگرایی در منطقه و به‌خصوص در افغانستان و پاکستان، منافع اقتصادی چین و بزرگ‌ترین پروژه تاریخ این کشور را تهدید می‌کند. چینی‌ها روی پروژه کمر بند - جاده سرمایه‌گذاری هنگفت کرده‌اند. دهلیز اقتصادی چین - پاکستان (CPEC) یکی از مهم‌ترین مسیرهای این پروژه است که از پاکستان گذشته وارد خاک ایران می‌شود و سپس به آب‌های آزاد می‌رسد. بخش بزرگی از این پروژه در پاکستان عملی شده است. این پروژه، پاکستان را به شریک استراتژیک چین مبدل کرده است. بعد از سقوط حکومت در افغانستان، وضعیت امنیت پاکستان نیز دگرگون شده و حملات تروریستی در این کشور افزایش بی‌سابقه یافته است. ناامنی در پاکستان، می‌تواند صدمه‌ای بزرگ به جاده بزند؛ چون بخش‌های مهمی از این جاده از مناطقی می‌گذرد که شبه‌نظامیان تحریک طالبان پاکستان و ارتش آزادی‌خواه بلوچ در آن حضور دارند. به همین دلیل چینی‌ها دوست دارند که با طالبان وارد تعامل شوند و از این طریق امنیت داخلی و پروژه بزرگ کمر بند - جاده را تضمین کنند. چینی‌ها چندین بار از طالبان خواسته‌اند که نیروهای اویغور را از افغانستان اخراج کنند؛ اما طالبان همواره گفته‌اند که هیچ تهدیدی از جانب افغانستان متوجه کشورهای همسایه نیست. اما واقعا چینی‌ها به این سخن طالبان باور می‌کنند یا خیر؟ این جای سوال دارد. براساس گزارش‌ها، نیروهای اویغور در ولایات شمال افغانستان حضور دارند. از سویی، این شبه‌نظامیان رابطه نزدیک با شبکه القاعده دارند که این موضوع بر نگرانی‌های امنیتی چین می‌افزاید.

۲. بازی قدرت‌های بزرگ

دومین عامل موثر بر تعامل چین با طالبان، بازی قدرت در سطح جهانی است. افغانستان در سیاست خارجی چین تا قبل از روی کار آمدن شی جین‌پینگ جایگاه مشخصی نداشت؛ اما تحول در سیاست

خارجی چین و ارتباط بیشتر با همسایه‌گان و گسترش ساحه نفوذ باعث شد که این کشور به سمت افغانستان بیاید. چین در حال حاضر رقیب شماره یک ایالات متحده در سطح جهانی است و برای این‌که بتواند هژمون ایالات متحده را به چالش بکشد، نیاز دارد که دیپلماسی فعال در منطقه داشته باشد. به همین دلیل، بیجینگ دوست دارد با طالبان وارد رابطه شود و دوباره اجازه ندهند که افغانستان در کنترل کشورهای غربی قرار بگیرد. در نهایت، موقعیت جغرافیایی افغانستان و اهمیت آن برای پروژه‌های اتصال منطقه‌ای و پروژه کمر بند - راه، چین را وادار کرده است تا وارد بازی افغانستان شود؛ هر چند این کشور تا کنون در افغانستان بسیار با احتیاط بازی کرده است و دوست ندارد به سرنوشت ایالات متحده و شوروی در افغانستان دچار شود.

۳. اقتصاد

اخیرا گزارش‌هایی نشر شده که چین با طالبان روی استخراج لیتیوم افغانستان توافق کرده است؛ اما این توافق چندین مشکل حقوقی و فنی دارد. اولاً چینی‌ها با کی این توافق را امضا خواهند کرد؟ این در حالی است که این کشور و سایر کشورهای جهان طالبان را به رسمیت نشناخته‌اند. مساله دوم این توافق، مشکل فنی و استخراج معادن است. افغانستان از نظر زیرساخت‌های ترانسپورتی یکی از کم‌توسعه‌ترین کشورهای جهان است. حال این‌که برای استخراج معادن بزرگ لیتیوم، مس و آهن، نیاز است که مسیرهای ترانسپورتی در کشور ساخته شود تا زمینه پرورس و استخراج این معادن فراهم آید. مهم‌ترین مواد معدنی که توجه چین را جلب کرده، ذخایر زیرزمینی لیتیوم در افغانستان است. از لیتیوم به‌عنوان انرژی تمام‌نشدنی در صنعت وسایل الکترونیکی، یاد می‌شود و چین در جنگ تکنولوژی با غرب نیاز دارد تا مواد خام ارزان در دسترس داشته باشد. در حال حاضر چین از شیلی و آرژانتین لیتیوم وارد می‌کند. شیلی به دنبال ملی‌سازی صنعت لیتیوم خودش است و فاصله آرژانتین با چین خیلی زیاد است. با این هم، موضوع معادن و مواد خام ارزان دغدغه اصلی چین در قبال طالبان و افغانستان نیست. آن‌چه برای بیجینگ در حال حاضر اهمیت دارد، امنیت و پروژه اقتصادی کمر بند - جاده است. با این وصف، چین در افغانستان بیشتر اهداف سیاسی و امنیتی خود را تعقیب می‌کند و طالبان نیز این‌که یک کشور قرار است با آن‌ها قرارداد امضا کند، خوشحال‌اند، در حالی که مقام‌های این گروه هیچ دانش حقوقی در مورد قراردادهای بین‌المللی ندارند و نمی‌دانند که چه چیزی امضا می‌کنند. به عبارت دیگر، طالبان بری این‌که نشان بدهند آن‌ها در حال پیش‌رفت‌اند، جام زهر را نیز می‌نوشند. بسیاری از ناظران اقتصادی نگران این موضوع‌اند که افغانستان نیز به سرنوشت پاکستان و سریلانکا مبدل شود و مقروض چین گردد. پاکستان به دلیل وضعیت ژئوپلیتیکی و روابط نزدیک با چین، قرضه جدیدی گرفته است و سریلانکا به چین میمون ارسال می‌کند. حالا اگر طالبان به این سرنوشت دچار شوند، چه کار خواهند کرد؟ طالبان چه چیزی در دست دارند که بتوانند با آن قرضه خود را پرداخت کنند؟ اگر این سناریو اتفاق بیفتد، طالبان مجبور خواهند شد که بخشی از منابع افغانستان را در خدمت چینی‌ها بگذارند.

1- Garver JW. (2015). *China's Quest: The History of the Foreign Relations of the People's Republic of China*. Oxford: Oxford University Press.

2- Small, Andrew. (2015). *The China-Pakistan Axis: Asia's new geopolitics*. London: C. Hurst & Co. (Publishers) Ltd



بر اساس آمارهای ارائه شده، حدود ۲۶ خلبان و ۱۲ انجنیر طیاره‌های نظامی ارتش حکومت پیشین در حال حاضر در پاکستان زنده‌گی می‌کنند. نبود کار، آینده ناروشن، خطر اخراج از آنان و محروم بودن کودکان آنان از آموزش، بزرگ‌ترین دغدغه‌های آنان در آن کشور است.

سرمایه‌های بر باد رفته!

خلبانان ارتش افغانستان با وضعیت رقت بار در پاکستان

فهیام امین

کمکی به ما انجام بدهند.»
بر اساس آمارهای ارائه شده، حدود ۲۶ خلبان و ۱۲ انجنیر طیاره‌های نظامی ارتش حکومت پیشین در حال حاضر در پاکستان زنده‌گی می‌کنند. نبود کار، آینده ناروشن، خطر اخراج از پاکستان و محروم بودن کودکان آنان از آموزش، بزرگ‌ترین دغدغه‌های آنان در آن کشور است. بیشتر این خلبانان و انجنیران به‌عنوان افراد در معرض خطر شناسایی شده و شامل برنامه تخلیه اولویت اول (P1) ایالات متحده امریکا هستند؛ اما آن‌چنانی که این خلبانان می‌گویند، در مدت بیش از یک سال گذشته هیچ یکی از مراحل این برنامه اجرایی نشده است. بیشتر خلبانان و انجنیران نیروهای هوایی ارتش حکومت پیشین در حال حاضر بدون ویژه معتبر در پاکستان زنده‌گی می‌کنند و از گشت‌وگذار در بازارها خودداری می‌ورزند تا به چنگ پولیس پاکستان نیفتند.

بر اساس اظهارات خلبانان، ارتش افغانستان در سال ۱۴۰۰ خورشیدی حدود شش هزار و ۸۰۰ نیروی هوایی داشته است. در آن میان حدود ۵۹۰ خلبان فعال و یک هزار و ۳۰۰ انجنیر با نزدیک به ۱۸۵ طیاره نظامی مختلف‌النوع، در برابر طالبان و دیگر گروه‌های مسلح تندرو دوشادوش نیروهای نظامی امریکا و جهان، مبارزه می‌کردند. هر کدام آن نیروها با سپری کردن دوره‌های آموزشی طاقت‌فرسا و هزینه‌بر به ارتش حکومت پیشین پیوسته بودند. بر اساس گزارش‌ها، بالای هر خلبان نیروهای هوایی ارتش بین پنج تا هفت میلیون دالر و بالای هر انجنیر طیاره‌های نظامی نزدیک به دو میلیون دالر هزینه شده بود. ارتش افغانستان اما در ۲۴ اسد سال ۱۴۰۰ خورشیدی از هم فروپاشید. بیشتر خلبانان و انجنیران آن ارتش به دلیل تهدیدی که از سوی طالبان متوجه جان آنان بود، افغانستان را ترک کرده‌اند. عده‌ای از آنان به کشورهای امریکایی و اروپایی رسیده و عده‌ای دیگر در کشورهای همسایه افغانستان در بی‌سرنوشتی به سر می‌برند. این افراد به علت غیابت از افغانستان و شناسایی توسط طالبان، اکنون نمی‌توانند دوباره وارد افغانستان شوند.

متقاضیان وادار می‌شوند تا با پرداخت هزینه بیشتر به کمیشن کاران، ویژه‌های خود را تمدید کنند. از سوی دیگر، مهاجرانی که بدون ویژه معتبر (ویزه کار) به پاکستان رفته باشند، نمی‌توانند در آن کشور صاحب کار شوند.
ولی (نام مستعار) انجنیر طیاره‌های نظامی ارتش حکومت پیشین افغانستان است که در ماه فیبروری سال ۲۰۲۲ میلادی با خانواده‌اش به پاکستان پناه برده است. او به روزنامه ۸صبح می‌گوید: «مشاوران امریکایی نیروهای هوایی حکومت پیشین ما را به کشور سومی خواسته بودند و طبق وعده آنان، قرار بود در مدت دو تا سه ماه همه ما به امریکا منتقل شویم، اما حالا بیش از یک سال است که در پاکستان زنده‌گی می‌کنیم و سرنوشت ما هنوز هم روشن نشده است.»

آقای ولی توضیح می‌دهد: «ما از روند تخلیه در روزهای پس از سقوط جا ماندیم و مشاوران امریکایی ما را به شهر مزارشریف خواستند، ولی موفق نشدند ما را از مزارشریف بیرون بکشند. بالاخره به ما گفتند که به کشور سومی بروید. ما به گفته مشاوران امریکایی به پاکستان آمده‌ایم. حالا بیشتر مشاوران امریکایی تماس خود را با ما قطع کرده‌اند و حاضر نیستند هیچ

نیروهای هوایی ارتش حکومت پیشین می‌افزاید: «ما به درخواست مشاوران امریکایی به پاکستان آمده‌ایم. مشاوران نیروهای هوایی ایالات متحده امریکا به ما گفتند که شما را از افغانستان بیرون کشیده نمی‌توانیم و باید به کشور سومی سفر کنید. مدت زیادی است که هویت خود را فاش کرده نمی‌توانیم. به چندین نهاد درخواست داده‌ایم، ولی هیچ نهادی حاضر نشده با ما همکاری کند.»

بهرروزخان علاوه می‌کند: «ما سال‌های سال دوشادوش نظامیان ایالات متحده امریکا وظیفه اجرا کردیم. خواست ما از دولت امریکا این است که در قسمت انتقال ما به امریکا زودتر اقدام کند و اگر روند انتقال ما به امریکا زمان‌بر است، باید در قسمت تامین مخارج زنده‌گی با ما همکاری کند.»
بیشتر خلبانان و انجنیران نیروهای هوایی ارتش حکومت پیشین افغانستان با ویژه سه‌ماهه مریضی به پاکستان آمده‌اند و مدت اعتبار ویژه‌های آنان ماه‌ها پیش به اتمام رسیده است. آنان می‌گویند که به دلیل مشکلات اقتصادی نتوانسته‌اند ویژه‌های خود و اعضای خانواده‌شان را تمدید کنند. قابل ذکر است که وزارت داخله پاکستان به‌آسانی ویژه‌های پناهجویان افغانستان را تمدید نمی‌کند.

شماری از خلبانان و انجنیران طیاره‌های نظامی نیروهای هوایی ارتش حکومت پیشین افغانستان که پس از سقوط نظام جمهوری به پاکستان پناه برده‌اند، اکنون در وضعیت رقت‌باری به سر می‌برند. این خلبانان و انجنیران می‌گویند که با فروش خانه و جای داده‌های خود توانسته‌اند مخارج یک‌ساله خود در پاکستان را فراهم کنند، اما اکنون پول و حوصله آنان رو به اتمام است. آنان توضیح می‌دهند که بر اساس توصیه‌های مشاوران نیروهای هوایی ارتش ایالات متحده امریکا به پاکستان آمده‌اند، اما دولت امریکا و مشاوران نظامی ایالات متحده اکنون از آنان روی‌گردان شده‌اند. آنان از مقام‌های دولت امریکا می‌خواهند که در عرصه انتقال آنان به ایالات متحده دست به کار شوند. به گفته آنان، در صورتی که روند تخلیه آنان زمان بیشتری نیاز داشته باشد، دولت امریکا باید در قسمت تامین مخارج زنده‌گی به آنان یاری برساند.

بهرروزخان (نام مستعار) در دوره جمهوریت خلبان طیاره‌های «بلک هاوک» نظامی بود. او در صحبت با روزنامه ۸صبح، می‌گوید که بیش از یک سال می‌شود با مشکلات زیادی در پاکستان زنده‌گی می‌کند و هیچ نهادی به کمک او نشناخته است. این خلبان

رویدادهای ترافیکه دریک هفته گذشته ۵۳ کشته و ۷۰۰ زخمی برجای گذاشته است

صبح، پروان



راننده‌گی به دست بیاورند. او می‌افزاید: «در کنار دلیلی که در بالا ذکر کردم، متأسفانه فساد نیز از اداره‌های ترافیک کشور تاکنون هم برچیده نشده است. طالبان از زمان تسلطشان بر کشور، به هزاران جنگ‌جوی خود که یک روز هم پشت فرمان موتر ننشسته‌اند، جواز راننده‌گی توزیع می‌کنند. شما خودتان شاهد هستید که بیشتر حادثات ترافیکه در این روزها از طرف طالبان صورت می‌گیرد.»
گفتنی است که تا پیش از تسلط طالبان بر کشور، حادثه‌های ترافیکه در رده‌بندی رویدادهای مرگ‌بار در رده دوم قرار داشت؛ اما اکنون این رویدادها ظاهراً در رده نخست قرار گرفته است. پیش از این، طالبان اعلام کرده بودند که حوادث ترافیکه در برخی از شاهراه‌های کشور به‌ویژه شاهراه‌های کابل - بلخ و کابل - هرات و برخی از جاده‌های عمومی دیگر به‌گونه بی‌سابقه افزایش یافته است و روزانه ده‌ها تن در اثر این رویدادها کشته و زخمی می‌شوند.
بر اساس گزارش سازمان صحتی جهان (WHO) که چند ماه پیش نشر شد، به‌طور اوسط روزانه ۳۶ هزار تن و سالانه ۱۰۳ میلیون تن در سراسر جهان در پی وقوع رویدادهای ترافیکه جان خود را از دست می‌دهند. بیشتر قربانیان این رویدادها، جوانان ۵ تا ۲۹ ساله عنوان شده است. بیش از ۵۰ درصد از قربانیان این‌دست رویدادها را عابران پیاده، دوچرخه‌سواران و موترسایکل‌سواران شکل می‌دهند. همچنان ۹۳ درصد از جان‌باخته‌گان این‌دست رویدادها را شهروندان کشورهای کم‌درآمد و متوسط شکل می‌دهند.

بربنیاد گزارش‌های نشرشده، نه تن در ولایت بلخ، ۱۴ تن در ولایت زابل، شش تن در ولایت پروان، شش تن در شاهراه کابل - قندهار، چهار تن در فاریاب، چهار تن در کابل، سه تن در غزنی، سه تن در کندز و یک‌یک تن دیگر در ولایت‌های خوست، بدخشان، ننگرهار و جوزجان در پی رویدادهای ترافیکه در یک هفته پسین جان باخته‌اند. همچنان در پی این رویدادها، دست‌کم ۶۶۶ تن دیگر در ۱۴ ولایت کشور زخمی شده‌اند. زنان و کودکان نیز در میان جان‌باخته‌گان و زخمیان این رویدادهای ترافیکه، شامل‌اند.

با این حال، شماری از شهروندان کشور از افزایش رویدادهای ترافیکه در چند ماه پسین ابراز نگرانی می‌کنند و ریاست ترافیک زیر اداره طالبان را به کوتاهی در نظارت از شاهراه‌ها و تنفیذ قانون ترافیکه متهم می‌نمایند.
مشتاق‌احمد، باشنده ولایت پروان، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید: «از زمان تسلط طالبان تا به حال شما خودتان می‌بینید که حضور پولیس ترافیک در جاده‌ها خیلی کم‌رنگ شده و نظارت جدی وجود ندارد. بیشتر راننده‌گان طالبان هم به‌درستی راننده‌گی را بلد نیستند.»
همچنان محمودشاه، باشنده شهر کابل، می‌گوید: «خانواده‌ها هم در این خصوص مقصرند. در روزهای رخصتی چرا مانع فرزندان زیر سن خود نمی‌شوند؟ بیشتر راننده‌گان افراد زیر سن می‌باشند که با قوانین ترافیکه آشنایی چندانی ندارند.» به گفته او، راننده‌گان باید در جریان راننده‌گی از احتیاط

یافته‌های روزنامه ۸صبح نشان می‌دهد که در جریان یک هفته گذشته دست‌کم ۵۳ تن در ۱۴ ولایت کشور در پی رویدادهای ترافیکه کشته و ۶۶۶ تن زخمی شده‌اند. رویدادهای ترافیکه در این جریان از زنان و کودکان نیز قربانی گرفته است. خرابی جاده‌ها، نبود اشاره‌های ترافیکه در مسیر شاهراه‌ها، بی‌احتیاطی راننده‌گان، استفاده از مواد مخدر به‌ویژه چرس توسط راننده‌گان موترهای لینی، سرعت و سبقت گرفتن بی‌جا و رعایت نکردن سیستم ایمنی از دلایل عمده افزایش رویدادهای ترافیکه عنوان می‌شود. با این وصف، شهروندان کشور از افزایش تلفات ناشی از رویدادهای ترافیکه ابراز نگرانی می‌کنند و از ریاست ترافیک زیر کنترل طالبان می‌خواهند تا راهکار مناسبی را برای کاهش این‌دست رویدادها روی دست بگیرد. به گفته آنان، در صورتی که پولیس ترافیک شاهراه‌های کشور را زیر نظارت داشته باشد، ممکن است جلوگیری از حادثه‌های ترافیکه تا حدی گرفته شود.
بربنیاد یافته‌های روزنامه ۸صبح، از روز نخست عید فطر تا روز جمعه، ۸ ثور، دست‌کم ۱۴ ولایت کشور گواه رویدادهای مرگ‌بار ترافیکه بوده است. در این میان ولایت‌های قندهار، غور، زابل، پروان و بلخ بیشترین آمار جان‌باخته‌گان ناشی از حادثه‌های ترافیکه را دارند.

نقدی بر اعلامیه نشست ویانا



نویسنده: یونس نگاه

نشست مخالفان گروه طالبان در ویانا، انتظارات خیلی از آنانی را که خواهان شکل‌گیری جریان فراگیر ضدطالبانی‌اند، برآورده نساخت. با این حال، در روزهایی که برای اجلاس دوحه آماده‌گی گرفته می‌شد و سیاست‌مدارانی در امریکا و اروپا و کسانی در سازمان ملل کمپین طالب‌شویی را سرعت بخشیده بودند، بلند شدن صدای متفاوت از تریبونی با شنونده‌گان داخلی و خارجی، برای ضد طالبان فرصت بود. بهره‌گیری موثر شرکت‌کننده‌گان از آن فرصت، مورد شک است. اشتراک‌کننده‌گان از راه‌های مختلف پیام خود را به مردم افغانستان و جهان ارسال کردند، از جمله با ترکیب شرکت‌کننده‌گان مجلس، ترکیب کسانی که در کنفرانس مطبوعاتی پایانی حضور یافتند، مصاحبه‌ها و مهم‌تر از همه از طریق اعلامیه‌ای که در پایان نشست نشر کردند. در مورد ترکیب شرکت‌کننده‌گان و مصاحبه‌های اعضای مجلس تبصره‌هایی شده است و مخالفان و موافقان در میزگردها و مقالات ابراز نظر کرده‌اند. این‌جا اعلامیه، مهم‌ترین سند نشست را مرور می‌کنیم تا ببینیم که نگاه شرکت‌کننده‌گان جلسه دوم ویانا به مسایل افغانستان چگونه است.

الف) رسالت تاریخی و میهنی

در اعلامیه نوشته‌هاند که شرکت‌کننده‌گان برای خود رسالت تاریخی و میهنی قایل‌اند و آن نجات افغانستان از «وضعیت اسف‌بار بشری و انسانی» ناشی از تسلط طالبان است. آنان گفته‌اند که نجات در انسجام «تمام نیروهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، فعالان مدنی، شخصیت‌های مستقل، تقویت مقاومت ملی و یافتن راه‌حل‌های اساسی برای ثبات افغانستان است.» تاکید بر مقاومت ملی و یافتن راه‌حل اساسی برای ثبات، نشانه‌های وضعیت دشوار مخالفان طالب است. این نیروها در یافتن موضع و صدای مشترک علیه طالبان هنوز مشکل دارند. هنوز خیلی از گروه‌ها و افراد صاحب نفوذ نتوانسته‌اند مشخص سازند که علیه طالبان بر کدام یک از محورهای قومی، سمتی، ملی، دموکراتیک یا اسلامی گردهم آیند؛ چرا که گروه طالبان مثل دیو چندسر، مردم افغانستان را از جهت‌های گوناگون گزیده است. زخم‌های قبیله‌ای، قومی، محلی، زبانی، مذهبی، دینی، سیاسی و ملی از نیش‌های طالبان بر پیکر افغانستان هویدا است. برای اچکزی‌ها در اسپین‌بولدک گروه طالبان خصم قبیله‌ای است، در پنجشیر و اندراب و سرپل و بسیار جاهای دیگر خصم قومی، در سراسر افغانستان و نزد آنانی که آرزوی افغانستان واحد و دموکراتیک دارند خصم ملی و نزد زنان، خصم جنسیتی است. زخم‌های گوناگون طالبان بر پیکر افغانستان، مردم را در مبارزه با آن گروه متفرق کرده است. ایجاد هم‌سویی میان هم‌دردان ضد طالب، وظیفه سیاست‌مداران آگاه و مبارزان پیش‌رو است. لازم است کسانی مردم را آگاه سازند که چگونه اچکزی‌ها، پنجشیری‌ها، فارسی‌زبانان، شیعیان، زنان، تحصیل‌کرده‌گان، شهرنشینان، ملی‌گرایان، دموکراسی‌خواهان و عاقبت همه کسانی که تندروی را نمی‌پسندند، هم‌دردند و نباید فریب نوع زخم‌هایی را بخورند که طالبان بر پیکر هر قشر و جمعیتی وارد کرده‌اند و این‌که قربانیان طالبان بدون هم‌دستی قادر نخواهند بود دشمن مشترک‌شان را به‌آسانی شکست دهند.

یکی از کمبودهای جدی اعلامیه نشست ویانا، ناتوانی در ترسیم چشم‌اندازی است که دشمنان طالبان را هم‌سو سازد. متأسفانه در تمام اعلامیه‌ها

یک بار از کلمه دموکراسی یاد نشده است. درست است که زیر نام دموکراسی در بیست سال گذشته جفاهای بسیاری به حق مردم شد و تفرقه، غارت، رای‌دزدی و تبعیض در دولتی که قانون اساسی استوار بر دموکراسی داشت بیداد می‌کرد و رای و اراده مردم خیلی مواقع فرصت تبارز نمی‌یافت، اما همه آن نقایص از ناتوانی ما در تحقق دموکراسی بود و این‌که مکانیسم و دستگاهی برای حفاظت از ارزش‌های دموکراتیک در برابر تروریستان، زورگویان و تقلب‌کاران نداشتیم. مخالفان طالبان جز با اتکا بر حاکمیت قانون و دموکراسی، نمی‌توانند انسجام یابند. در اعلامیه از ایجاد دولتی مبتنی بر اراده آزاد مردم یاد شده است که می‌تواند اشاره‌ای به نظام دموکراتیک باشد، اما دوری جستن از یادآوری صریح دموکراسی در این اعلامیه سوال‌برانگیز است. آیا اشتراک‌کننده‌گان جورآمد و ثبات توافقی را بر ایجاد نظام دموکراتیک ترجیح می‌دهند؟ آیا آنان حاضرند به سود تقسیم قدرت توافقی تحت نظارت سازمان ملل، امریکا، اتحادیه اروپا و کشورهای منطقه از مطالبات دموکراسی‌خواهانه بگذرند؟ در پاراگراف اول اعلامیه از «یافتن راه‌حل‌های اساسی برای ثبات» یاد شده است؛ آیا ثبات چه‌قدر ارزش دارد؟ به تن دادن به حکومت طالبانی «همه‌شمول» می‌ارزد - حکومتی که مخالفان قدرت‌مند طالبان را در قدرت سهیم سازد، وزارت و ریاست دهد، اما نظام همچنان امارتی و غیردموکراتیک بماند؟

ب) مقاومت مشروع و انسجام روش‌مند

در ادامه اعلامیه از مقاومت «جریان‌های سیاسی» و ضرورت انسجام روش‌مند این مقاومت‌ها یاد شده است. اجتناب از ذکر مقاومت مسلحانه نیز نکته‌ای قابل توجه است. ظاهراً اعضای جلسه ویانا با دوری جستن از ذکر کلماتی که طالبان از آن‌ها نفرت دارند، از جمله دموکراسی و مقاومت مسلحانه، تلاش کرده‌اند به گفت‌وگوها و توافق سیاسی چراغ سبز نشان دهند. اعلامیه در ذکر جنایات طالبان صراحت دارد و مقاومت علیه آن گروه را نیز مشروع می‌خواند؛ اما در بردن نام مقاومت مسلحانه زبان کنایی اختیار کرده و به ذکر «تمام اشکال مقاومت» یا «مقاومت مشروع جریان‌های سیاسی در شهرها و کوه‌پایه‌ها» اکتفا نموده است. تمام اشکال مقاومت، مقاومت مسلحانه را نیز در بر می‌گیرد و مقاومت مشروع جریانی‌های سیاسی در کوه‌پایه‌ها همان مقاومت مسلحانه است. این اجتناب از ذکر نام دموکراسی و مقاومت مسلحانه را جز تمایل به گفت‌وگو با طالبان، تعبیر دیگری نمی‌توان کرد. روشن نیست که اراده کشورهای اروپایی و آنانی که در پی تطبیق مواد توافق‌نامه دوحه‌اند و ظاهراً تلاش می‌ورزند طالبان را به ساختن «حکومت همه‌شمول» وادارند، چه‌قدر در مدیریت لحن اعلامیه نقش داشته است. احتمال دارد خود شرکت‌کننده‌گان تصمیم گرفته باشند که به سازمان ملل و گرداننده‌گان کنفرانس دوحه فرصت دهند تا شانس خود را در ازسرگیری گفت‌وگوها میان طالبان و مخالفان آن گروه بیازمایند. پیام‌های متناقض اخیر در مورد گفت‌وگو بر سر رسمیت طالبان در محافل خارجی، نیز حکایت از آن دارد که احتمالاً برای شکستن بن‌بست کنونی در ماه‌های پیش‌رو شاهد تحرکاتی خواهیم بود. بدون ازسرگیری گفت‌وگوها میان طالبان و مخالفان، عبور از این بن‌بست نیز آسان نیست. از این رو، احتمال زیاد دارد که در اجلاس دوحه مکانیسمی برای ازسرگیری گفت‌وگوها مطرح شود و جبهه به رهبری احمد مسعود از طریق نشست ویانا، آماده‌گی‌اش را مجدداً

طالبان خواهان رسمیت امارت‌اند. آنان نبود رقیب جدی در جنگ و تسلط مسلحانه بر کشور را دلیل آورده می‌گویند که کشورها راه دیگری جز رسمیت دادن به امارت حاکم طالبان ندارند.

برای گفت‌وگو اعلام کرده است. عدم اشتراک برخی چهره‌ها در این نشست، نیز احتمالاً از آن‌چه در دوحه خواهد گذشت، متأثر است. بسیاری ترجیح داده‌اند که به جای رفتن به ویانا، در خانه نشسته منتظر تحولات در دوحه باشند، یا با اشتراک در ویانا شانس خود در دریافت آن‌چه در نشست دوحه و پس از آن تقسیم خواهد شد، کاهش ندهند، و یا وقتی را که صرف چانه زدن بر سر اعلامیه ویانا می‌کنند، برای گفت‌وگو و تماس با برگزارکننده‌گان کنفرانس دوحه بگذرانند.

شرکت‌کننده‌گان نشست ویانا «پلان ب» نیز دارند و از ضرورت انسجام در مبارزه با طالبان سخن گفته‌اند. آنان گفته‌اند که به انسجام «روش‌مند» همه جریان‌های مخالف طالبان متعهدند و برای تحقق آن تلاش می‌کنند. هدف از انسجام روش‌مند، احتمالاً همکاری و اتحاد در چارچوب سیاسی تعریف شده است. به این منظور، گروه کاری را معرفی کرده‌اند تا نقشه‌راهی را برای انسجام روش‌مند تدوین کند. تدوین نقشه‌راه برای انسجام نیروهای ضد طالبان، مهم‌ترین و دشوارترین وظیفه است. کدام ارزش‌ها می‌تواند طیف‌های گوناگون دشمنان طالب را زیر چتر واحد قرار دهد و مبارزات متفرق آنان را به جنبش بزرگ و نجات‌بخش مبدل سازد؟ یک راه برای ترسیم نقشه‌راه، توجه به ارزش‌هایی است که طالبان با آن‌ها دشمنی دارند، تا مخالفان با چسبیدن به آن ارزش‌ها علیه طالبان متحد شوند. به‌طور مثال، طالبان رای مردم را در هیچ امر جمعی معیار نمی‌دانند و تصمیم شورای ملها و فرمان‌های امیر خود را به جای رای می‌گذارند، به تعلیم و تحصیل ارزش قایل نیستند، زنان را مستحق حقوق برابر با مردان نمی‌دانند و تبعیض مذهبی و قومی را دامن می‌زنند. نیروهای ضد طالبان را می‌توان با طرح حکومت قانونی، وحدت ملی، ارج‌گزاری به رای مردم، احترام به حقوق بشر و آزادی‌های مدنی، تاکید بر توسعه علم و تحصیل و رفع تبعیض‌های جنسیتی، مذهبی و قومی متحد ساخت. از این رو، عقب‌نشینی از طرح صریح خواسته‌های دموکراتیک مردم، باعث تضعیف نیروهای ضد طالبان خواهد شد و ثبات دائمی را به تاخیر خواهد انداخت. ثبات توافقی که با چشم‌پوشی از حقوق اساسی مردم به دست آید و حکومت همه‌شمولی که با تقسیم قدرت میان زورمندان شکل گیرد، فرو خواهد پاشید.

ج) رسمیت‌خواهی

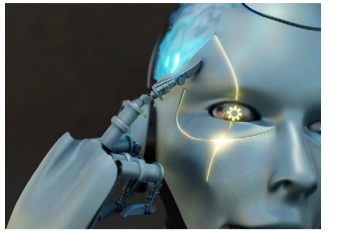
طالبان خواهان رسمیت امارت‌اند. آنان نبود رقیب جدی در جنگ و تسلط مسلحانه بر کشور را دلیل آورده می‌گویند که کشورها راه دیگری جز رسمیت دادن به امارت حاکم طالبان ندارند. آنان از یک سو با تبلیغ جنگ علیه داعش و تاکید بر جلوگیری از سرریزی تروریسم از خاک افغانستان به کشورهای دیگر، مدعی‌اند که به تعهدات سپرده‌شده به امریکا پایبند مانده‌اند و می‌توانند شریک قابل اتکا برای طرف‌های معامله خود باشند و از سوی دیگر پیام‌های جهادی و فتح جهان ارسال می‌کنند تا هشدار دهند که اگر صاحب «امارت رسمی» در داخل افغانستان نشوند، برای خلافت خواهند جنگید. بستن مکاتب و ممنوعیت کامل حضور اجتماعی زنان را نیز عده‌ای تاکتیک چانه‌زنی طالبان برای کسب رسمیت می‌خوانند و مسوولان سازمان ملل نیز محدودیت‌های وضع‌شده بر کارمندان خود را تلاش این گروه برای رسمیت‌خواهی تعبیر کرده و خواهان مذاکره با طالبان بر سر رسمیت اداره آن گروه شده‌اند. به نظر می‌رسد که تلاش خزنده برای عادی‌سازی امارت طالبانی همچنان ادامه دارد و لابی‌های آن

گروه از ناشی‌گری‌های طالبان برای کسب رسمیت ناراضی‌اند. آنان انتظار دارند که طالبان با تغییرات شکلی و انعطاف در برابر تعلیم و حضور زنان، به حامیان خارجی‌شان بینی‌خمیری بسازند تا افکار عامه در غرب آماده رسمیت امارت طالبان شود. البته مخالفان طالب نیز در استیج بین‌المللی و میان سیاست‌مداران غربی کم نیستند. از عواقف رسمیت احتمالی امارت طالبان دایم هشدار داده می‌شود و افراد مشهوری در اردو و سیاست امریکا توافق‌نامه دوحه و تسلیمی قدرت به طالبان را اشتباه خوانده‌اند. با این حال، جامعه جهانی هنوز فرش سرخ را از پیش پای طالبان برنداشته و بیشتر تلاش‌ها بر تشویق طالبان به عبور از روی فرش پهن‌شده برای رسمیت امارت آن گروه متمرکز است. ارسال کمک‌ها، همکاری استخباراتی و منزوی نگه‌داشتن مخالفان طالبان، مشوق‌های اصلی جامعه جهانی برای این گروه است.

جهان مقاومت علیه طالبان را نیز به رسمیت نشناخته و همه را به تار خام «گفت‌وگو» و «حکومت همه‌شمول» بسته است. اعلامیه نشست دوم مخالفان طالبان در ویانا، ضمن آماده‌گی برای گفت‌وگو و نرمش در لحن مقاومتی، از جهان خواسته است که «تمام اشکال مقاومت مردم افغانستان را به رسمیت بشناسد.» جهان اما هنوز تمایلی به حمایت آشکار از مقاومت علیه طالبان نشان نداده و با ارایه فرصت‌های نسبی حضور و لابی، گذاشته است که مخالفت با طالبان زنده بماند، ولی در حدی نباشد که این گروه با چالش مواجه شود. نشست دوحه و اتفاقاتی که پس از آن در ماه‌های آینده رخ خواهد داد، احتمالاً موضع جامعه بین‌المللی و کشورهای قدرت‌مند را نسبت به طالبان و مخالفان آنان روشن‌تر خواهد ساخت. ابهام و بلاتکلیفی جاری کم‌کم پایان خواهد یافت و فعلاً سناریوی کشاندن افغانستان به سمت امارت رسمی، محتمل‌تر به نظر می‌آید. در صورتی که این گروه به مشوق‌های امریکا و هم‌پیمانان آن روی خوش نشان دهد و با تغییرات شکلی در سیاست‌های خود زمینه توجیه رسمیت امارت را فراهم سازد، موافقت‌نامه دوحه با نصب امارت رسمی تکمیل خواهد شد. آنگاه عرصه بر مخالفان طالبان در کوتاه‌مدت تنگ‌تر خواهد گردید. اما دیری نخواهد پایید که جهان در مواجهه با طالبان دچار چن‌دسته‌گی شود؛ چرا که آن گروه قادر به کنترل مهارت‌های تروریستی‌اش نخواهد بود و با آن‌همه چکشی که در دست دارد، حتماً به دیوار کسانی میخ خواهد کوبید. جهان از هر طریقی که با طالبان پیشامد کند، مردم افغانستان عاقبت انتخابی جز مبارزه با طالبان و عبور از امارت سیاه و تحمیلی ندارند. رسمیت امارت طالبان اگر اتفاق افتد، صف‌ها روشن‌تر خواهد شد و دیری نخواهد گذشت که مبارزان آزادی‌خواه و ضد بنیادگرایی چون نماینده‌گان برحق مردم افغانستان و همکاران قابل اعتماد برای جامعه جهانی، استقبال شوند. از این رو، به زمین گذاشتن پرچم مقاومت علیه طالبان، خطای استراتژیک خواهد بود و تاکید بر رسمیت مبارزه مردم افغانستان برای ساختن نظام غیربنیادگرا، مبتنی بر قانون و رای آزاد شهروندان، اگر امروز خریدار زیاد نداشته باشد، برگ برنده آینده خواهد بود.

د) رو به خارجیان و کم‌توجهی به حمایت مردمی ذکر نمادین مردم در اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های سیاست‌مداران رسم است. همه، از طالب و ضد طالب، سخن از مردم می‌گویند؛ اما باور به نیروی مردم در بیش از چهار دهه پروژه‌بازی به‌شدت آسیب دیده است. متأسفانه مردم افغانستان طی جنگ‌های طولانی و فقر، بی‌سواد و انحطاط ناشی از آن بسیار تضعیف شده‌اند. از این رو، بیشتر چشم‌ها به عوامل خارجی دوخته شده است. توده مردم از نخبه‌گان امید چندانی ندارند و منتظرند که خارجی‌ها چگونه به یاری خواهند شناخت و چه سرنوشتی برای کشور ما رقم خواهند زد. سیاست‌مداران و زورمندان نیز مسیر آگاهی‌دهی و انسجام مردم را برای ساختن نیروی سازنده بسیار سخت و طاقت‌فرسا می‌بینند و منتظرند که عوامل خارجی چگونه و چه زمانی به سودشان عمل خواهند کرد. طالبان با وجود شعارهای فریبنده مذهبی و ضد استعماری، همه رفتارهای‌شان را بر محور جلب حمایت خارجی تنظیم می‌کنند.

ادامه در صفحه ۷



اکسیر حیات یا جام شوکران؟

نگاه به تحولات اخیر هوش مصنوعی

هانیه ملک

تصور کنید قرار بوده اکسیری را به مرور زمان در طی چندین سال بنوشیم تا پس از چند دهه توانایی‌های ابرانسانی را پیدا کنیم. این اکسیر به ما قدرت می‌داد تا با ابرهوش خود، مشکلات فوق پیچیده پزشکی، اجتماعی، اقتصادی، اقلیمی و فضایی را حل کنیم. پزشکان البته کمی هم نگران عوارض جانبی این اکسیر بوده‌اند، با این حال خوش‌بین بوده‌اند که در این بازه زمانی چندساله که اکسیر هنوز اثر نکرده، راه‌حل مقابله با این عوارض را هم پیدا می‌کنند. اکنون اما پس از نوشیدن جرعه‌ای از این اکسیر، نه تنها اولین نشانه‌های ابرهوش بروز پیدا کرده، بلکه پزشکان ما نیز متوجه شده‌اند که گرفتار سرطانی بدخیم شده‌ایم. این اکسیر چیزی نیست جز هوش مصنوعی. طی هفته‌های گذشته و پس از آن که دیدیم همه‌جا در مورد هوش مصنوعی می‌نویسند، کنج‌کاو شدم و به جست‌وجوی مواردی پرداختم. در این متن، به صورت خیلی مختصر به تحولات اخیر این تکنولوژی، تغییرات پیش رو، مخاطرات جدی آینده و چالش‌های احتمالی هوش مصنوعی و رباتیک در زنده‌گی جمعی و فردی‌مان پرداخته‌ام.

مهم‌ترین توسعه هوش مصنوعی در چند سال اخیر، پیشرفت در پردازش زبان طبیعی انسان‌ها توسط مدل‌های زبانی بزرگ (LLM) است. این مدل‌های شبکه عصبی مصنوعی، با استفاده از مجموعه‌های عظیم داده‌های متنی موجود در اینترنت طوری آموزش می‌یابند که در یک جمله جزئی، باید کلمه بعدی جمله را پیش‌بینی کنند. کاربردهای رایج این مدل‌ها شامل: پاسخ دادن به سوالات، خلاصه کردن متن، ترجمه متن به زبان‌های دیگر، تولید کد کامپیوتر، تولید پست وبلاگ، داستان، مکالمه و سایر انواع محتوا است. شواهد گزارش شده حاکی از آن است که نسخه اولیه یک مدل زبانی با نام GPT-4 محصول شرکت OpenAI، به رغم این که صرفاً یک مدل زبانی است، قابلیت‌های قابل توجهی از هوش را در حوزه‌ها و مسایل مختلف، از جمله انتزاع، ادراک، بینایی، برنامه‌نویسی،

ریاضیات، پزشکی، حقوق، درک انگیزه‌ها و احساسات انسانی و... نشان می‌دهد. هوشمندی GPT-4 در دامنه وسیعی از مسایل در سطح هوشمندی انسانی یا فراتر از آن است و با وجود محدودیت‌های فعلی‌اش نشانی است از یک تغییر پارادایم اساسی در زمینه علوم کامپیوتر و سایر علوم.

همه‌چیز در شرف تغییر است، همه‌چیز! همان‌گونه که ظهور کامپیوتر خانه‌گی، اینترنت، تلفن هوشمند و شبکه‌های اجتماعی همه‌چیز را تغییر داد، هوش مصنوعی به مرحله‌ای رسیده که با نرخی نمایی روزبه‌روز بزرگ‌تر شود و همه‌چیز را تغییر دهد. تمامی مسیرهایی که ما طی آن‌ها تولید اطلاعات و محتوا می‌کنیم، از متن گرفته تا صوت یا ویدیو و همه‌گی راه‌های ارتباطاتی ما در جامعه در آستانه تحولاتی انقلابی است. هر کسی قادر خواهد بود که بی‌درنگ، افکار، ایده‌ها و تصورات انتزاعی و خلاقانه ذهن خود را به صورت تصویری با بقیه به اشتراک بگذارد. تمامی حرفه‌هایی که تکیه اصلی‌شان بر زبان، تجزیه و تحلیل اطلاعات و ارتباطات است، متحول شده و محصولات‌شان با کیفیتی بهتر و هزینه‌های کمتر در دسترس آدم‌های بیشتری قرار خواهند گرفت. از جمله سیستم‌های در آستانه تحول می‌توان به سیستم آموزشی، مراقبت‌های بهداشتی، خدمات حقوقی، پشتیبانی مشتری، روزنامه‌نگاری و تولید محتوا، خدمات اقتصادی و حسابداری، مدیریت منابع انسانی و فروش و بازاریابی اشاره کرد. مهم‌ترین تحول پیش‌رو البته در بخش پژوهش علمی و توسعه نرم‌افزار رخ می‌دهد؛ چرا که با فراهم شدن امکان دسترسی به اطلاعات غنی و پردازش شده، بینش‌های جدید در همه شاخه‌های علوم ایجاد می‌شود و سرعت نوآوری و اکتشافات علمی به صورت نمایی افزایش می‌یابد.

اولین مخاطره جدی پیش‌رو، چگونه‌گی استفاده بشریت از این ابزار جدید است: استتلی کوپریک در فلم «۲۰۱۰: یک ایدیه فضایی»، روایتی از نخستین روزهای حضور انسان روی زمین را به تصویر می‌کشد. در این تصویر می‌بینیم که چگونه وقتی نخستین راست‌قامتان استفاده از یک استخوان به‌عنوان ابزار

را می‌آموزند، در اولین فرصت از این ابزار به‌عنوان سلاحی برای حذف دیگران استفاده می‌کنند. این تصویر نمادی است از آن که رابطه بشریت با فناوری، شمشیری است دولبه؛ داستانی که بارها در طول تاریخ تکرار شده و ابزارهای بی‌شماری که نخست با هدف ایجاد بهبود در جامعه طراحی شده، اما تبدیل شده‌اند به سلاحی برای اعمال قدرت، کسب ثروت و حذف مخالفان. شبکه‌های اجتماعی در واقع اولین محک جدی از تماس میان انسان و هوش مصنوعی بودند و ما در این ارتباط شکستی جدی خوردیم: بمباران اطلاعاتی، اعتیاد، جنسی‌سازی کودکان، شوم‌گردی، کوتاه شدن بازه زمانی توجه، دوقطبی شدن جامعه، اخبار جعلی و... همه‌گی محصولات جانبی، ناخواسته و برنامه‌ریزی نشده استفاده از هوش مصنوعی‌ای بود که تنها با یک هدف بهینه‌سازی شده بود: درآمدزایی بیشتر برای مالک تکنولوژی. آیا برای رویارویی با کمپنی‌هایی که با استفاده از هوش مصنوعی به‌مراتب قوی‌تر و عمومی‌تر سودای بهره‌کشی بیشتر و سخت‌تر از انسان را در سر دارند، آماده‌گی لازم را داریم؟

مخاطره جدی‌تر اما مساله چگونه‌گی کنترل هوش مصنوعی (AI Alignment) است: چگونه می‌توان ابرهوشی ساخت که به سازنده‌گانش کمک کند و در عین حال جلوگیری کرد از ساخت ناخواسته ابرهوشی که سازنده‌گانش را از بین ببرد؟ «۵۰ درصد از محققان هوش مصنوعی بر این باورند که با احتمال ۱۰ درصد یا بیشتر، انسان‌ها به دلیل ناتوانی ما در کنترل هوش مصنوعی منقرض می‌شوند.» با وجود این که در چند سال گذشته پژوهش‌های مختلفی در زمینه امنیت هوش مصنوعی انجام شده است، دانش فعلی ما در این زمینه به هیچ‌وجه متناسب با نیازهای‌مان برای کنترل کامل هوش مصنوعی نیست. مهم‌ترین دلیل برای این نقطه ضعف هم البته پیش‌رفت فوق سریع و ناباورانه هوش مصنوعی است، به طوری که عده‌ای از دانشمندان این حوزه، ظهور توانایی فعلی هوش مصنوعی را شاید تا سال‌ها یا دهه‌های بعد هم ممکن نمی‌دانستند. با این حال سازنده‌گان به همان توصیه‌ها و نتایج ناچیز متخصصان امنیت هوش مصنوعی هم

بی توجه بوده، به هوش مصنوعی کد نوشتن یاد داده و آن را به اینترنت و سرورهای ابری وصل کرده‌اند. مهم‌تر از همه با استفاده از شبکه‌های اجتماعی، آن را در معرض شناخت روان انسان و سازوکار دستکاری این روان برای رسیدن به هدف مطلوب گذاشته‌اند. آیا قادر هستیم برای لحظه‌ای بایستیم و از نو به مساله کنترل این ابرهوش نگاه کنیم؟ آیا این سرطان قابل درمان است؟ نقل قولی است از یووال هراری: «آن چه که سلاح‌های هسته‌ای برای دنیای فیزیکی هستند، هوش مصنوعی برای دنیای مجازی و نمادین است.» در مرحله کنونی هوش مصنوعی، یکی از جنبه‌های زنده‌گی جمعی که دست‌خوش دگرگونی اساسی می‌شود، مساله اعتماد است. دیپ‌فیک یا جعل عمیق، روشی است که براساس هوش مصنوعی برای ساختن تصاویر و صداها جعلی از انسان‌ها استفاده می‌شود. دیپ‌فیک‌های تولیدشده توسط هوش مصنوعی می‌توانند تهدید قابل توجهی برای روش‌های احراز هویت بیومتریک، مانند تشخیص چهره و صدا باشند. متجاوزان با ایجاد تصاویر و ویدیوها یا فایل‌های صوتی جعلی بسیار واقعی، می‌توانند این سیستم‌های احراز هویت را دور بزنند. به‌عنوان مثال، این تصاویر جعلی می‌توانند شخصی را در حال مشارکت در رفتاری جنسی نشان دهند که در واقع هرگز رخ نداده است، یا می‌توانند برای تغییر کلمات یا حرکات یک سیاست‌مدار استفاده شوند تا ظاهراً به نظر برسد که او چیزی را اظهار می‌کند که در حقیقت هرگز گفته نشده است. در جامعه کنونی که انتشار یک عکس یا فلم گاهی بهانه‌ای برای کشتن افراد می‌شود، آگاهی، اطلاع‌رسانی و آماده‌گی برای شناخت و رویارویی با چنین ابزارهایی، اهمیتی دوچندان دارد. بیابید سوالاتی را از خودمان بپرسیم. هوش مصنوعی در زنده‌گی فردی ما چه تاثیری خواهد گذاشت؟ آیا هویت و اهداف ما در زنده‌گی به‌عنوان یک انسان، با ظهور یک ابرهوش تغییری خواهد کرد؟ آیا رابطه احساسی با یک ربات، می‌تواند جای‌گزین رابطه‌های انسانی شود؟ اگر بله، از جای‌گزین شدن، چه احساساتی را تجربه می‌کنیم؟ اگر روزی کار تخصصی‌مان توسط یک ربات به‌مراتب بهتر و سریع‌تر انجام شود، چطور؟ آیا با این تغییرات دچار بحران معنایی/وجودی می‌شویم؟ به امید آینده بهتر برای بشریت!

تصویر را هوش مصنوعی با این درخواست برایم کشید: برای من یک نقاشی از آینده‌ای دیستوپیایی، به سبک ونسان ون‌گوگ بکش.

از صفحه ۶

نقدی بر اعلامیه نشست ویانا

با خارجی‌ها مذاکره و معامله می‌کنند، هم‌وطنان را برای بدل شدن به طرف معامله با خارجی‌ها در مسجد و مکتب و جاده و دفتر سلاحی می‌کنند و حقوق اساسی چون تعلیم و حمام و سفر باشندگان را ضایع می‌سازند تا در مذاکره برای رسمیت اهرم فشار داشته باشند. مخالفان طالب نیز کمتر با مردم و بیشتر با خارجی‌ان سخن می‌گویند و حمایت خارجی را بر حمایت مردمی برتر می‌شمارند. این بی‌باوری به نیروی مردم و اتکالی بیش‌ازحد بر حمایت خارجی، در اعلامیه نشست دوم ویانا نیز آشکار است. در اعلامیه از جامعه جهانی خواسته شده است که مقاومت ضد طالبان را به رسمیت بشناسد، از معاون سرمنشی سازمان ملل متحد خواسته شده است تا موضع غیرمسوولانه در رابطه به افغانستان نکیرد و از برگزارکننده‌گان نشست دوحه خواسته شده است که از هر گونه بحثی که منجر به «تداوم سلطه طالبان و پیچیده‌تر

شدن اوضاع افغانستان» گردد، خودداری کنند. به کشورهای منطقه هشدار داده شده که «خطر گسترش تروریسم در منطقه به یک تهدید جدی بدل شده است» و باید به توهم مبارزه طالبان علیه گروه‌های تروریستی منطقه‌ای و بین‌المللی دل نبندند. از سازمان ملل و جامعه جهانی خواسته شده است که رهبران گروه طالبان را نیز «تابع تعزیرات کنند». از دادگاه جزایی بین‌المللی خواسته شده است تا «رهبران و فرماندهان جنایت‌کار طالب را شناسایی و مورد پی‌گرد قرار دهند.» از کشورهای اسلامی و سازمان همکاری اسلامی تقاضا شده است که «نسبت به عمل‌کردهای غیراسلامی طالبان موقف صریح و اقدامات عملی» اتخاذ کنند. از مهمان‌نوازی اتریش تشکر شده و از «نهادهای صلح‌دوست» تقاضا گردیده تا از تداوم این نشست‌ها حمایت عملی کنند. از مردم افغانستان اما خواسته نشده است که چگونه متحد شوند، مبارزات خود را

گسترش دهند، از مقاومت علیه طالبان به چه شیوه حمایت کنند و از همکاری با طالبان چگونه دوری جویند. غیبت مردم در اعلامیه و اتکالی بیش‌ازحد بر قدرت‌ها و نهادهای خارجی، بزرگ‌ترین ضعف مخالفان طالبان را آشکار می‌سازد.

تمام طیف‌های ضد طالب، در گذشته فرصت‌هایی برای مبارزه در راه نجات کشور داشته‌اند. از گروه‌های چپی که با ساطور سرخ به نام توده به جان مردم افتادند و رویای خام خود را به جای خواست توده‌ها پی‌گیری کردند، تا تنظیم‌های جهادی که خدا و ملت را بهانه کرده به کشتار و چپاول دست زدند، تا آنانی که زیر نام دموکراسی مشغول قوم‌بازی، رشوت‌ستانی و رای‌دزدی شدند، همه فرصت‌های بزرگ کار و خدمت را ضایع کردند. اگر کلاسی دایر شود که در آن همه نیروهای غیرطالبان در هم آمده از گذشته بیاموزند، دو عنوان اصلی آن درس باید این‌ها باشد: (۱) چگونه بر ظرفیت‌های داخلی برای نجات چشم بگشاییم و مردم را محور اصلی سیاست بپذیریم؟ (۲) چطور نقش تاکتیکی حمایت خارجی‌ها را درک کنیم، از آن به‌موقع و به‌درستی استفاده کنیم و به هیچ حمایت دوام‌دار و استراتژیک خارجی دل نبندیم؟

مخالفان طالب تنها موظف به مبارزه با تروریسم و ارتجاع طالبانی نیستند، بلکه با ضعف‌های فراوان خود نیز باید بجنگند و خود را شایسته رهبری مبارزات آزادی‌خواهانه و دموکراتیک سازند. مانع، تنها جهالت و تروریسم طالبان نیست، بلکه تنگ‌نظری، علائق قشری و کوتاه‌بینانه، تمایلات شبه‌طالبانی و ارتجاع نهفته در درون بخش‌هایی از نیروهای ضد طالب نیز موانع کلان‌اند. در زشتی امارت طالبانی به‌خصوص بعد از نزدیک به دو سال امتحان مجدد این گروه، دیگر نزد اکثریت قاطع مردم شکی باقی نمانده است. حتا جنگ‌جویان طالبان از وضعیت کنونی راضی نیستند. تعدادی از مقام‌های آن گروه نیز می‌دانند که امارت قرون وسطایی پرتگاه است و دوام آن برابادی تمام‌عیار خواهد بود. مساله این است که کدام نیرو می‌تواند اعتماد این‌همه دشمن طالب، مخالف طالب و ناامید از امارت طالب را جلب کند؟ مساله این نیست که چه کسی یا گروهی گوی رقابت درلرایی از چین یا آمریکا را می‌برد. دل قدرت‌های خارجی را با معامله می‌توان به دست آورد، اما برای جلب حمایت مردمی باید چون جلب رضایت دلدار کوشید و شایسته‌گی خود را ثابت کرد.



صاحب امتیاز: سنجر سهیل
مدیرمسوول: محمد محق
سرمدیر: حبیب بهش
مسوول افغانستان: شاحسین رسولی
تحلیل‌گران: یونس نگاه، ابومسلم خراسانی و علی سجاد مولایی
دیر گزارش‌ها: فهیم امین

دیر بخش ویدیو: نصیر کاوشگر
خبرنگار ارشد: امین کاوه
ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران
صفحه آرایی: رضا مرادی
پذیرش مقالات: Info@8am.media
پذیرش اعلان: Shaparsepehr@gmail.com
نشانی پستی: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۸۸۷۹۹
۸ صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

Publisher: Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media
Editor-in-Chief: Mohammad Moheq
Mohammad.moheq@8am.media
Facebook.com/8am.media
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه، پس از بیماری که مقامات دولتش آن را عفونت «روده» عنوان کرده‌اند، برای سومین روز، حضور در یک برنامه مهم انتخاباتی خود را لغو کرده است. خبرگزاری فرانسه روز جمعه، ۲۸ اپریل، گزارش داده است که اردوغان قرار بود در «افتتاحیه پل و یک گردهمایی سیاسی» در شهر جنوبی آدانا حاضر شود، اما در این برنامه‌ها اشتراک نکرد. وی، روزهای چهارشنبه و پنجشنبه هفته گذشته نیز همه برنامه‌های انتخاباتی‌اش را لغو کرده بود. اردوغان که به مدت دو دهه به‌عنوان نخست‌وزیر و سپس رئیس جمهور ترکیه را اداره کرده، به دنبال سومین دوره ریاست جمهوری در انتخابات ۱۴ می است.



جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، از مسکو و تهران خواسته است تا شهروندان «گروگان گرفته‌شده» این کشور را به‌گونه فوری آزاد کنند. جو بایدن روز پنجشنبه، ۲۷ اپریل، در بیانیه‌ای گفته است:

هشدار بایدن به روسیه و ایران: «گروگان‌های آمریکایی» را آزاد کنید

«از روز اول حکومت، ما بازگشت مصون آمریکایی‌هایی را که در خارج از کشور گروگان گرفته یا به‌طور غیرقانونی بازداشت شده‌اند، در اولویت قرار داده‌ایم.»
وی افزوده است: «اکنون ده‌ها آمریکایی را به خانه آورده‌ایم، اما هنوز تعداد زیادی از آمریکایی‌ها از جمله در روسیه، ایران و جاهای دیگر در بازداشت غیرقانونی به سر می‌برند که ما تلاش می‌کنیم راه‌های جدیدی برای بازگرداندن آن‌ها را به کشور فراهم کنیم.»
آقای بایدن تصریح کرده است که دولت آمریکا برای

نخستین بار ابزارهای جدیدی را برای تحمیل تبعات شدید اقتصادی بر کسانی که آمریکایی‌ها را در سراسر جهان گروگان می‌گیرند یا ناعادلانه بازداشت می‌کنند، به کار خواهد گرفت.
رئیس‌جمهور آمریکا با اشاره به وضع تحریم‌های جدید علیه ایران و روسیه گفت: «تحریم‌ها علیه چهار فرد و دو اداره امنیتی روسیه و ایران به این معنا است که همه دارایی‌ها و منافع آن‌ها که در اختیار یا کنترل آمریکا است، مسدود می‌شود.»



پاکستان شهروند چینی متهم به توهین به مقدسات را آزاد کرد

یک وکیل مدافع و پولیس پاکستان اعلام کرده‌اند که یک شهروند چین که در این کشور به اتهام توهین به مقدسات بازداشت شده بود، به قید وثیقه از یک زندان فوق امنیتی آزاد شده است.

خبرگزاری فرانسه، به نقل از عارف خان جادون، وکیل «تیان»، شهروند چینی، روز جمعه، ۲۸ اپریل، گزارش داده است که موکلش، پس از صدور قرار وثیقه‌ای به مبلغ ۲۰۰ هزار کلدار پاکستانی با حکم دادگاه از زندان آزاد شده است.

هنوز مشخص نیست که آیا تیان باید در پاکستان بماند تا محاکمه شود یا به او اجازه داده می‌شود به چین بازگردد. سفارت چین، پیشتر گفته بود که در حال بررسی پرونده وی است.

این مرد چینی، در یک پرونده «بند آب‌سازی» در ایالت خیبر پختونخوا در غرب پاکستان مشغول کار بود.

وی دو هفته پیش، پس از آن که صدها تن از ساکنان و کارگران شهر کومیل، محل اجرای پروژه، یک بزرگراه کلیدی را مسدود کردند، بازداشت شد.

معتراضان ادعا می‌کردند که تیان سخنان توهین‌آمیز درباره اسلام گفته و خواستار بازداشت او شدند. اتهامی که وی آن را رد کرده و اصرار دارد که به اسلام توهین نکرده است.

گفتنی است که در سال ۲۰۲۱ نیز شماری از ساکنان ایالت پنجاب پاکستان، یک شهروند سریلانکا را به اتهام توهین به مقدسات و هتک حرمت پوسترهایی که نام پیامبر اسلام روی آن‌ها درج شده بود، کشتند و بدنش را در ملأ عام سوزاندند.

حملات هوایی روسیه بر دو شهر اوکراین؛

۲۵ غیرنظامی کشته شدند

دست‌کم ۲۵ غیرنظامی در موجی از حملات موشکی روسیه بر شهرهای اوکراین کشته شده‌اند.

الجزیره گزارش داده که این حملات باامداد جمعه، ۲۸ اپریل، در شهرهای «دنیپرو» و «اومان» پس از اعلام آماده‌گی اوکراین مبنی بر حمله‌ای بزرگ برای پس‌گیری «سرزمین‌های اشغال‌شده» این کشور از سوی روسیه، انجام شده است.

این حملات بزرگ‌ترین عملیات نظامی روسیه در دو ماه پسین عنوان شده است.

در پی اصابت موشک بر یک ساختمان مسکونی نهب‌بچه‌ای در شهر اومان، دست‌کم ۲۳ غیرنظامی از جمله چهار کودک کشته شده‌اند. در شهر دنیپرو نیز در پی این حملات، یک کودک دوساله و یک زن ۳۱ ساله جان باخته‌اند. در همین حال، روسیه اعلام کرده است که این کشور، محل استقرار نیروهای ذخیره اوکراین را هدف قرار داده است تا از رفتن آن‌ها به خطوط نخست جنگ جلوگیری کند.



روایات ابوزیتون

نامه امیرالمومنین حبت‌الله اعظم به ولی امر مسلمین علی جان خامنهاک

نخست به نام آن که ما را در جنگ پیروزی داد و زمانی که گرسنه بودیم برای ما گوسفند بریان فرستاد، بدون آن که جای پایش را در برف یابیم و ما را نصرت داد بر چهل بلاد کافران، بدون آن که کمکی از جانب بلاد دیگر به ما برسد و مجبور باشیم پایگاه‌های خویش در ملک دیگر افراز کنیم و کمک از بلاد دیگر بگیریم و سلاح از جای دیگر دریافت کنیم. دوم درود بر پیامبر اسلام که ما را رهنما بود در حمله کانتیننتال و سراج‌الدین جان را ظفر فرمود در حد کشتن ملاحظه بسیار. سوم از من که خلیفه مسلمین هستم بر تو ای برادر که خلیفه مسلمین دگر هستی و ما مسلمین تر هستیم. بدان و آگاه باش، حوادثی بر بلاد جابلقا رفت و خوارج به هدایت ملاحظه و فرنگیان و حمایت ایشان ملک و مملوک را به باد فنا داده بودند که ما سر رسیدیم و به دست تدبیر و تیزی شمشیر و حمایت بی نظیر (منظور بوتو است) و تریبه قطعه سرخ در پایگاه کرمانی و دست الطاف سردار سلیمانی و صد البته همکاری خلیل‌زاد آمریکایی و اندیولان بهتر از یار جانی، بلاد جابلقا را به تسخیر درآوردیم و حالا سلطان بی‌منازع و امیر خاضع این ولایتیم. از آن جایی که شما را به برادری و دوستی پذیرفته هستیم، پس راویان اخبار و ایلچی‌گران بی‌مقدار، ما را خبر آورده‌اند که گویا منافقان و خوارجان (هر کس به حرف ما نکند او را خوارج می‌دانیم) زنده‌گی را بر شما سخت بکرده‌اند و دعوی تاج‌وتخت بکرده‌اند. از این بابت خاطر فاخر ما را اندک رنجشی پدید آمد و گفتیم که نصیحتی و صحبتی محضر شما بفرستیم تا کار مملکت‌داری‌تان رونق گیرد و دشمنان از شما سبق گیرند و روزگارتان رتق‌وتق گیرد.

نخستین نصیحت ما بر شما این است که خویشتان از خلاق و رعیت پنهان دارید و صورت از همه‌گان پنهان دارید. دیده‌ام و شنیده‌ام که از بهر هر کاری خویشتان به میدان افگنی و با مریدان و خاصان سخن زنی. این گونه است که ساعیان و دروغ‌زنان آن دست شما را که چیز شده است، به تمسخر گیرند و از بهرتان لطایف درست کنند. ما را ببینید تا حال پسرمان نمی‌داند که پدرش چه صورتی دارد و چه سیرتی. از بهر هر کاری خویشتان را نخود آن آتش نسازیم، بلکه از مشاوران و خاصان و حاجبان و مریدان و آی‌اس‌آی‌یان و دیگران در این باب کمک خواهیم. تا حال کس ندانست که ما چیستیم و کیستیم. اصلاً هستیم یا نیستیم. شما نیز این گونه کنید. خویشتان بر کس منمایانید و رعیت پیش روی خویش منشانانید تا از شما حساب برند.

نصیحت دیگر این است که آدم بسیار اندک می‌کشید و رعایا را مجال دست می‌دهد که به خون خواهی آن رعایا بر شما بشورند. مانند ما سه صد سه صد تا بکشید تا رعایا در بمانند که خون کدام یک را زودتر بخواهند. آنانی را هم که می‌کشید، دوباره جنازه‌اش را بر اقربا ندهید که مجال دیگری برای شورش ایجاد شود. سرب‌نهیستش بکنید تا ندانند که آن بینوا زنده است یا نه. به ما نگاه کنید. ما هزاران تا را سر زبر بال کرده‌ایم و اقباش هنوز فکر می‌کنند که در زندان‌اند و برای جان‌شان دعا کنند، در حالی که روح آن بیچاره‌گان زمان زیادی می‌شود که شاد شده است.

بلبلان آتش به اختیاران به ما خبر رسانده‌اند که دختران به سخنان‌تان فراگوش ندهند و حجاب خویشتان از سر خویش دور کرده‌اند و شما را توان جدال با آنان نباشد. من این که نکاح‌الدوله خودم را به نزدتان می‌فرستم. اسم السعید الدین والخواستی است. او دانش فراوان در فرو نشانیدن عصیان دختران دارد. تنها مساله این است که تعدد زوجاتش بالا همی‌رود که آن هم در نزد شما توفیری نخواهد داشت. همچنان خواهیم تا از فرستادن مستشارالدوله‌های‌تان که در کارها به ما مدد همی‌دهند، کمال خرسندی خویش را اظهار بنماییم، به‌خصوص آن شیخ فرزانه که اسمش الکاظمی والقمی است. ما نیز تعدادی نسقچی‌باشی خدمت شما می‌فرستیم تا در آرام کردن سرکشان شما را یاری دهند که نسقچی‌های ما در جهان ثانی ندارند از بهر آرام کردن سرکشان. این‌جا نیز تعدادی سرکش بودند که حالا دیگر نیستند.

در آخر از ذات ملوکانه برادر خامنه‌ای می‌خواهم از شیوه من برای رسیدن به حساب خلاق استفاده کند. من فرمان داده‌ام که تمام قوانین غربیان مردود است. حالا چه کسی داند که قانون غربیه و شرقیه چه باشد. ما هرچه را که به مزاج‌مان خوش نخورد، انگ غربی دهیم و دورش افکنیم. شما نیز چنین کنید و عمری به فراغ‌البالی گذرانید. اصلاً اعلام کنید که خواب دیده‌ایم امام زمان بر ما حلول کرده و فرموده است که حکومت من حکومت خامنه‌ای است. ما خواب دیدیم که خداوند برای لشکریان ما بره بریان فرستاده است و همه پذیرفتند. همچنان خواب دیدیم که پیامبر لشکریان ما را رهنمایی کرده است و همه پذیرفتند. چرا شما از خواب دیدن پرهیز همی‌کنید؟ تا خواب نبینید، کارهای‌تان به‌سامان نشود. زیاده عرضی نیست. سلام مرا به محتبا جان وسیله شوید.



طنز سیاسی

